

# حقیقت

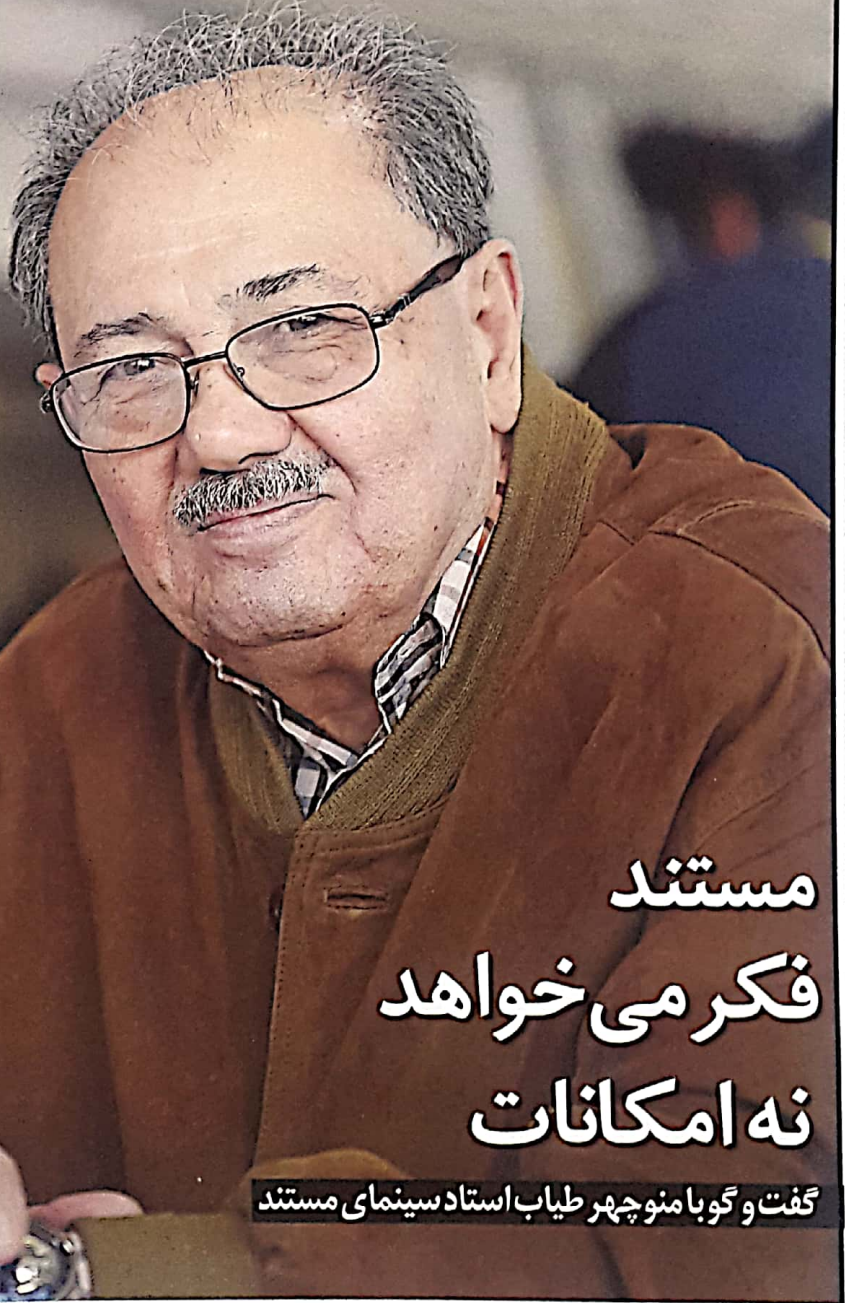
نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت - شماره دوم - دوشنبه ۱۵ آذرماه ۱۳۹۵

CINEMA VERITE IRAN INTERNATIONAL DOCUMENTARY FILM FESTIVAL. No.2. MON, 5<sup>TH</sup> DEC. 2016



## حقیقت ۱۰ ساله

■ گزارش مراسم افتتاح دهمین دوره جشنواره سینما حقیقت



مستند  
فکر می خواهد  
نه امکانات

گفت و گو با منوچهر طیب استاد سینمای مستند

عکس: عزیز سعید پور

### سینما حقیقت

#### اعتبار جهانی دارد

گفت و گو با مرتضی رزاق کریمی سرپرست معاونت فرهنگی مرکز گسترش سینمای مستند

6

### سینمای مستند و

#### چالش های محیط زیست

گویی بالین وود، داور تایوانی بخش کوتاه و نیمه بلند بخش بین الملل

14

## کاش 2CUT

### دیار مردمان درونگرا

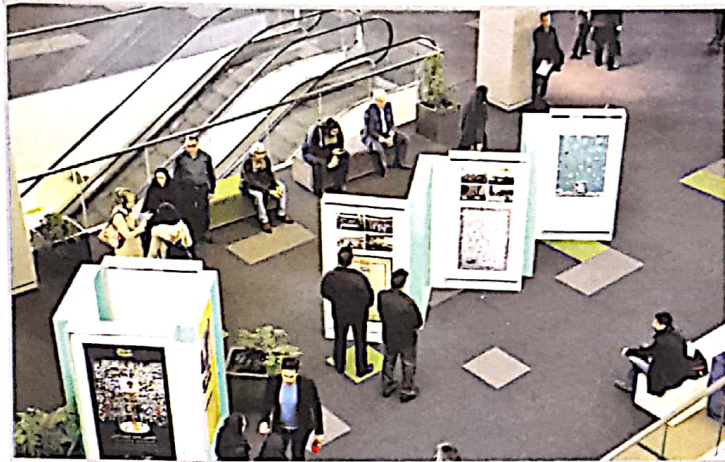
پرونده ای برای مرور سینمای مستند کرمان





# آغاز شیرین

حال و هوای پردیس چارسودر نخستین روز دهمین جشنواره «سینما حقیقت» عوض شد



کرمان، خرد و تجربه، پژوهش و بازار فیلم از همین روز نخست برنامه‌های خود را کلید زدند و میزبان مراجعان بودند. خبرنگاران هم که طبق معمول باو یون اختصاصی خود را در میان این غرفه‌ها داشتند، آن هم با اینترنت پرسرعت!

### مهمانان حرفه‌ای

اما در کنار نکات مربوط به میزبانی جشنواره و کیفیت برنامه‌ریزی میزبانان، روز نخست جشنواره از نظر ترکیب مهمانان هم روز ویژه‌ای بود. البته که از مهم‌ترین رویداد سینمایی مستند ایران، انتظاری جز این هم نیست، اما جشنواره در روزی که در آیین افتتاحیه‌اش منوچهر طبیب کیک ۱۰ سالگی «سینماحقیقت» را برید و خیلی زود حسین ترابی از دیگر مستندسازان با سابقه هم با او همراه شد، میزبان چهره‌های پیشکسوت و جوانی بود که به فراخور اعلام برنامه‌های اکران برای تماشای آثار دیگر همکاران یا برای حضور در سانس نمایش آثار خود به پردیس چارسو آمده بودند. در این میان گنده‌هایی مانند دوره‌می گرم مستندسازان کرمانی در غرفه اختصاصی خود در همان ساعات ابتدایی روز از نکات جالب توجه بود.

پردیس سینمایی چارسو از صبح دیروز میزبان خیل علاقه‌مندان سینمای مستند بود. علاقه‌مندانی که به احترام سنتی ۱۰ ساله این بار در پردیس چارسو گرد هم آمدند تا از «مستند» بگویند و از «حقیقت» بشنوند. همه هم بودند. تنور جشنواره هم به سنت همه این سال‌ها از همان روز نخست گرم شد و نه فقط سالن‌های اکران که محل‌های در نظر گرفته شده برای گنده‌های حرفه‌ای و دوستانه هم حسایی محل تردد بود و طبیعتاً شلوغ. برنامه اکران سالن‌های پنج‌گانه پردیس چارسو هم از همین روز اول آغاز شد و طبق برنامه از ساعت ۹:۳۰ تا ۱۲:۴۰ آثار مستند در بخش‌های مختلف روی پرده رفتند.

### میزبانی حرفه‌ای

مهم‌ترین ویژگی محل برگزاری این دوره از جشنواره سینماحقیقت فضای وسیع و تقسیم‌بندی تخصصی لابی اصلی محل میزبانی از مهمانان جشنواره است. از همان روز نخست غرفه‌بندی در نظر گرفته شده برای بخش‌های مختلف جشنواره محل رجوع افرادی بود که بر اساس علاقه‌ی مشخص می‌خواستند پیگیر برنامه‌های جشنواره باشند. در کنار غرفه روابط عمومی، ستاد خبری و نشریه روزانه غرفه‌های، بازار گانی، مستندسازان

### نگاه اول



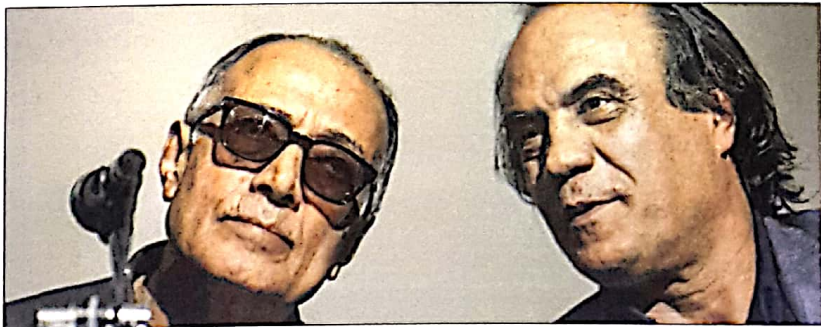
نابصر تقوایی  
زینبسنده و کارگردان

## معدلی از فیلم مستند

۱ کوچکترین واحد فیلم، فیلم خبری است که می‌تواند یک یا دو پلان باشد یا در خبر تلویزیون پخش شود. خبر یعنی چه؟ خبر یعنی اطلاع‌رسانی در اولین فرصت، حالا در این میان تلویزیون برترین رسانه است، زیرا هم صدا دارد و هم تصویر. خبر ضرورت و فوریت این تماس با جامعه است و بخشی از جامعه با این خبری که پخش می‌شود، درگیری و کار دارد. این مرحله‌ای است که به آن خبر می‌گوییم و متأسفانه حتی کیفیت این مرحله نیز در تلویزیون ما پایین است، یعنی خبر اعلام می‌شود، اما چرایی آن گفته نمی‌شود. در مورد اخبار سیاسی که اصلاً گفته نمی‌شود و ابهام خیلی بیشتر است. این مرحله نخست است.

۲ مرحله دوم گزارش است، یعنی عین واقعیت در این مرحله ضبط و پخش می‌شود و هیچ دخالتی در آن نمی‌کنیم. فیلمساز با آگاهی‌ای که از موضوع دارد، بخش‌هایی از آن را که شامل گزارش می‌شود، برگزیده و به تصویر می‌کشد. بدیهی است در این روش، گزارشی که برای سینما تهیه می‌شود، طولانی‌تر از گزارشی است که برای تلویزیون، همواره برای این که کار با کیفیتی عرضه شود، باید آگاهی کافی در این زمینه وجود داشته باشد. ولی مسئول تولید فیلم یعنی فیلمساز دخالتی در این گونه فیلم ندارد و هر آنچه را که اتفاق افتاده، به تصویر می‌کشد. به این می‌گوییم گزارش. حذف‌شدن بخشی از موضوع و مثلاً فلان مراسم در گزارش، سانسور نیست، بلکه گزینش و انتخاب است، زیرا به دلیل محدودیت زمانی برای داشتن یک فیلم، مجبور به گزینش قسمت‌هایی از آن هستیم.

۳ مرحله بعدی که به نام فیلم مستند در ایران معروف است، مرحله سوم است و یک تفاوت عمده با دو گونه قبلی دارد؛ در این جا کسی که فیلم را می‌سازد، اشراف کامل به موضوع دارد و با نگاه خودش مستند را می‌سازد. این آدم باید صلاحیت این کار را داشته باشد. زمانی گزارش به فیلم مستند تبدیل می‌شود که نگاه یک آدم محقق و کاربلد در آن دخیل باشد. این یک کار کارشناسی است. ذات هر سه این گونه از یک جنس است. در نوع سوم حتی فیلمساز ممکن است دست به بازسازی نیز بزند. او تابع اتفاقاتی که می‌افتد، نیست و حتی می‌تواند در شیوه فیلمبرداری نیز دخالت کند. بدیهی است با توجه به موضوعات گوناگون، جهان‌بینی نیز فرق می‌کند. تفاوت اساسی بین کسی که فقط می‌خواهد گزارش کند، با کسی که می‌خواهد راه حل پیدا کند، وجود دارد. هر چه جوانان دانش خود را بالاتر ببرند، با فیلم‌های موفق‌تری مواجه خواهند شد و به دنبال آن تماشاگر را نیز به سمت موضوع بهتری رهنمون خواهند شد.



## اولین سانس ویژه برای عباس کیارستمی

طبق پیش‌بینی‌ها فیلم سیف‌الله صمدیان با استقبال مخاطبان جشنواره روبه‌رو شد

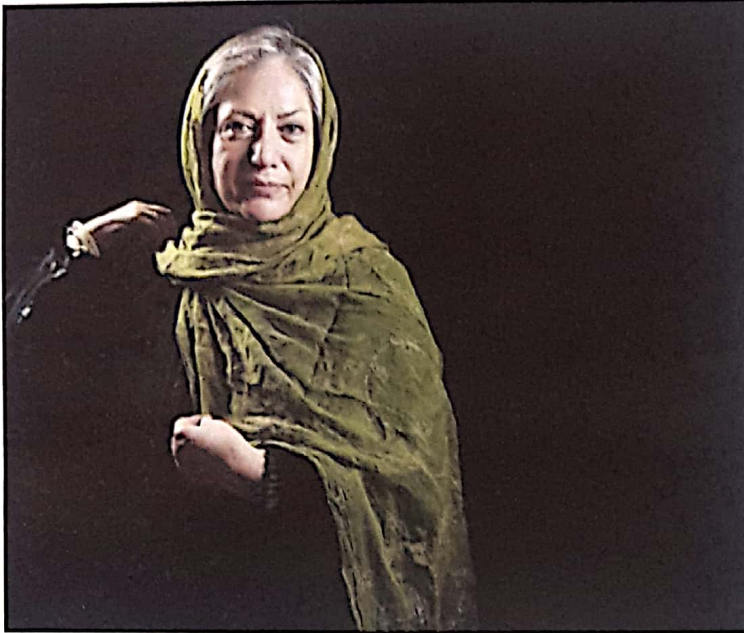
تقاضای بیشتر مخاطبان روزانه جشنواره موکول شد. بر همین مبنای نخستین سانس ویژه به توجیه در درخواست‌های بسیار از سوی علاقه‌مندان به بازپخش فیلم مستند «۷ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» به کارگردانی سیف‌الله صمدیان اختصاص پیدا کرد. مستندی که می‌توان آن را یکی از واپسین یادگارهای تصویری به‌جامانده از زنده‌یاد عباس کیارستمی دانست و از این منظر ارزشی دوچندان در میان مستندهای پرتره حاضر در جشنواره اسامی سینماحقیقت پیدا کرده است.

دیروز در خبری اعلام کردیم که طبق برنامه‌ریزی صورت گرفته برای جشنواره دهم، هر روز سانس بابایی سالن شماره یک پردیس چارسو به اکران ویژه یکی از فیلم‌های روز اختصاص خواهد داشت. ایده اولیه این طرح بر مبنای انتخاب پر مخاطب‌ترین مستند روز طراحی شده بود، اما این انتخاب با توجه به نبود بلیت‌فروشی و در عین حال تعدد بالای فیلم‌های پر مخاطب در جدول اکران هر روز پنج سالن پردیس چارسو انتخاب ساده‌ای نبود و شاید به همین دلیل بنای انتخاب فیلم برای اکران در سانس ویژه به درخواست



## مهمانان میزبان

از نکات جالب در ترکیب چهره‌های حاضر در جشنواره سینماحقیقت حضور سینماگرانی است که نسبتی دوگانه با جشنواره دارند و فقط نمی‌توان به چشم مهمان به آنان نگاه کرد. حضور رخشان بنی‌اعتماد در ساعات پایانی نخستین روز جشنواره سینماحقیقت، در پردیس چارسو، به بهانه اکران نخستین مستند از مجموعه «کارستان» با استقبال رسانه‌ها مواجه شد. این فیلمساز با سابقه اما امروز و در دومین روز جشنواره در قامت میزبان قرار است در غرفه پژوهش جشنواره حاضر شود و پاسخگوی سوالات مستندسازان جوان و علاقه‌مندان این حوزه باشد. همراهی چهره‌هایی در این سطح با جشنواره هم سینماحقیقت در مقام مهمان و میزبان از اتفاق‌های مهم این دوره از جشنواره سینماحقیقت است.



## سیاسی بازی!



محسن خاجپوری از آن مستندسازانی است که کارش را با تدوین و صداگذاری و خلاصه‌مراحل فنی پس از تولید تمام‌شده نمی‌داند و معمولاً در مرحله تبلیغ و خبرسازی مثبت پیرامون آثارش هم بد طولانی دارد. یکی از مواردی او معمولاً انرژی زیادی برای آن می‌گذارد دعوت از چهره‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای آیین رونمایی از آثارش است. مستند سیاسی «برد برد» درباره حواشی مذاکرات هسته‌ای، تازه‌ترین ساخته این مستندساز جوان است که روز گذشته در سالن شماره یک چارسو رونمایی شد و از نکات جالب این اکران، حضور چهره‌هایی بود که به دعوت شخص خاجپوری به جشنواره آمده بودند. با توجه به موضوع مستند هم جالب‌ترین چهره حسن قشقاوی، سخنگوی سابق و از چهره‌های شناخته‌شده وزارت امور خارجه دولت یازدهم بود. این حضور با توجه به رویکرد انتقادی و گنایه‌های طعنه‌آمیز فیلم نسبت به کارنامه هسته‌ای دولت یازدهم در نوع خود جالب بود و باید منتظر ماند و دید آیا مستندسازان دیگر سراغ چنین ایده‌هایی برای بهتر دیده شدن می‌روند؟

اتفاق روز

## حقیقت یا فجر؟

طیفی از مستندسازان هنوز هم علاقه ویژه‌ای به حضور در جشنواره ملی فیلم فجر دارند و هنوز اعتبار این رویداد سینمایی در حوزه مستند هم برای شان موضوعیت دارد. رویکردی که البته چند سالی است با توجه به سیر صعودی جشنواره «سینماحقیقت» و با توجه به اعتباری که این رویداد در بعد ملی و بین‌المللی برای مستندسازی ایران به همراه آورده، طرفداران کمتری پیدا می‌کند و غالباً نگاه‌ها به سمت تایید برگزاری رویدادهای تخصصی در حوزه‌هایی همچون «سینمای مستند» می‌رود. هوشنگ گلمکانی از چهره‌های معتبر حوزه نقد سینمایی است که روز گذشته و در حاشیه برگزاری دهمین جشنواره سینماحقیقت در گفت‌وگویی با ستاد خبری جشنواره به این رویکرد مستندسازان نقد کرد و گفت: «به این دسته از مستندسازان پیشنهاد می‌دهم، از شرکت در جشنواره فیلم فجر فاصله بگیرند، چون این تصمیم در سطح یک مستندساز نیست. مستند، سینمای تفکر است و در جشنواره فیلم فجر جایگاه ندارد.» گلمکانی معتقد است: «سینمای مستند برای مخاطب خاص ساخته می‌شود و این موضوع با ذات جشنواره فیلم فجر هماهنگی ندارد.»

## جابه‌جایی نوبت نقد



لذت تماشای فیلم‌های مستندان هم آثاری که غالباً برای نخستین بار برده رونمایی می‌شود، به جای خود، امانتی توان جدول برنامه‌های یک جشنواره تخصصی را رصد کرد و تنها انتظار برنامه‌ریزی برای اکران فیلم‌ها را از آن داشت. «سینماحقیقت» فرصت نابی است تا علاوه بر لذت تماشای مخالفان حرفه‌ای‌تر بتوانند در لذت نقد و بررسی آثار هم سهیم شوند. طبق جدول ارائه شده جشنواره البته قرار بود نشست‌های نقد و بررسی فیلم‌های مستند روز از همان روز نخست جشنواره کلید بخورد که به دلایلی این برنامه در نخستین روز لغو شد و امروز دوشنبه قرار است فیلم‌های بخش شده در بخش‌های اصلی جشنواره طبق برنامه اعلام شده روی میز نقد قرار بگیرند. مسئولیت هدایت میز نقد این فیلم‌ها با منتقدان شناخته‌شده است و سالن شماره دو پردیس سینمایی چارسو از امروز و در ساعت ۱۶:۴۵ میزبان این نشست‌ها خواهد بود.

خبر روز

## چهره‌ها



■ جواد طلوسی

### منتقد پشت دوربین

«فهرمان آخر» عنوان مستندی است که نامش یادآور سینمای مسعود کیمیایی است، اما کارگردانی آن را جواد طلوسی بر عهده داشته و امشب ساعت ۲۲:۳۰ در جشنواره رونمایی می‌شود.



■ صادق زیباکلام

### تحلیل روی دیوار

سوزه نجیب کیوان مهرگان از روزنامه‌نگاران با سابقه برای مستندسازی احتمالاً امروز مورد توجه مخاطبان جشنواره دهم قرار می‌گیرد. عکس‌های روی دیوار دفتر صادق زیباکلام



■ نگاه آهنگرانی

### ارباب جمشیدها

از مستندهای کنکاشی برانگیز جشنواره امسال «مردان ارباب جمشید» است که کارگردانی آن را نگاه آهنگرانی، بازیگر جوان سینمای ایران بر عهده داشته و امروز ساعت ۱۵:۴۵ در سالن شماره یک روی پرده می‌رود.



# In Honor of A Righteous Child

Documentary Cinema is the "righteous child of Iran" it was the keyword of short speech of Manouchehr Tayyab during cutting the cake of 10-year-old birthday of Iran International Documentary Film Festival Cinema Verite; a sentence which was so pleasant especially when you hear it from a master of documentary-making. Yesterday morning, instead of having a formal opening ceremony, veteran documentarists alongside the younger ones gathered in the 6th floor of Charsou Cineplex to hold an opening ceremony. In this friendly atmosphere, Seyed Mohammad Mehdi Tabatabayinezhad welcomed the guests and then Manouchehr Tayyab had a short speech.



## به افتخاریک فرزند خلف

دهمین جشنواره «سینما حقیقت» با دورهمی صمیمانه مستندسازان در پردیس چهارسو، با بریده شدن یک ده سالگی توسط منوچهر طیباب کلید خورد

امید صبوری

omid.sabori88@gmail.com

«سینمای مستند فرزند خلف ایران است»: این جمله کلیدی ترین بخش اظهارات کوتاه منوچهر طیباب در حاشیه بر بدن یک ده سالگی جشنواره سینما حقیقت بود. جمله‌ای ساده که شنیدن آن از زبان مستندسازی پیشکسوت با سابقه حضور پیگیر و مستمر در رویدادهای جهانی حلاوتی دوچندان داشت، به خصوص که این اظهارات در جمع مستندسازانی بیان شد که آثارشان پشتوانه اصلی منوچهر طیباب برای این موضع گیری بود.

### دورهمی به جای افتتاحیه

مستندسازان قدیمی با همراهی جمعی از چهره‌های جوان تر عرصه مستندسازی صبح دیرروز و همزمان با ساعات اولیه نخستین روز از برگزاری دهمین دوره جشنواره سینما حقیقت، در طبقه ششم پردیس سینمایی چارسو حاضر شدند تا به تعبیری دبیران جشنواره به جای یک آیین رسمی افتتاحیه، در گردهمی دوستانه مستندسازان به احترام آغاز این رویداد سهمی داشته باشند. در ابتدای این مراسم مختصر اما گرم، سیدمحمد مهدی طیبابایی نژاد، دبیر جشنواره دهم ضمن خیر مقدم به مهمانان و با تشریح پهنه این دورهمی صمیمانه به جای آیین افتتاحیه، خیلی زود میکروفن را به استاد منوچهر طیباب سپرد تا با سخنان این چهره شاخص سینمای مستند جشنواره دهم شروعی ویژه را تجربه کند.

### مثل یک رویا

منوچهر طیباب در حالی میکروفن در دست گرفت که انرژی بسیار در کلام، شادمانی اش از حضور در افتتاحیه این

رویداد را بازتاب داده بود. دلیل این شادمانی هم خیلی زود مشخص شد، آن جا که طیباب گفت: «وقتی این جا ایستادم باید ناگزیر به ۵۰ سال قبل بازگردم. وقتی سه، چهار نفری با گرفتاری‌های بسیار به خارج از کشور رفتیم تا سینما یاد بگیریم. ربیبی وقت فرهنگ آن زمان می گفت چه فایده دارد سراغ این کار رفتن؟ شما باید مهندس شوید! خلاصه این که راه سنگلاخ بود و سینمای مستند معنایی نداشت. با عبور از این مسیر است که احساس می کنیم الان که این جا هستم مثل ریواس: این که سینمای مستند ما امروز راهی پیش روی خود باز کرده که از طریق آن می توانیم فرهنگمان را به جهان بشارانیم.»

### زبان روز آمد برای ارتباط با جهان

کارگردان مجموعه مستند «معماری ایرانی» در ادامه صحبت‌هایش به اهمیت سینمای مستند هم اشاره کرد و گفت: «در دنیای امروز زبان تصویر بهترین ابزار برای ارتباط با دیگران است و سینمای مستند در بسیاری موارد در این زمینه

### هدیه‌ای برای ۱۰ سالگی

منوچهر طیباب بعد از این سخنان کوتاه یک ۱۰ سالگی جشنواره «سینما حقیقت» را برید و به عنوان هدیه‌ای از طرف خود به این رویداد، مجموعه آثار مکتوب مرتبط با آثار مستند خود را به دبیر جشنواره اهدا کرد. پایان بخش این دورهمی صمیمانه هم صرف یک و جای به همراه تازه کردن دیدارها میان اهالی سینمای مستند بود.



فضای حاکم بر افتتاحیه دوستانه مستندسازان و علاقه‌مندان سینمای مستند، تنها سوزده عکاسان خبری نبود و بودند دوربین‌های شخصی و موبایل‌هایی که در حالت عکس دسته جمعی یا به صورت سلفی برای ثبت لحظات این دورهمی روی دست‌ها ظاهر می شدند.



حضور منوچهر طیباب اگر چه به خودی خود اتفاقی ویژه در آیین افتتاحیه جشنواره دهم سینما حقیقت بود، اما همراه شدن دیگر چهره پیشکسوت عرصه مستندسازی یعنی حسین ترابی با او فرصتی ناب را در اختیار عکاسان خبری گذاشت تا از مراوده و دیدار تازه گردن این دو مستندساز پیشکسوت لحظاتی را ثبت و ضبط کنند.



۱۰ سال برای یک رویداد سینمایی شاید سن چندانی ویژه‌ای نباشد، اما برای جشنواره «سینما حقیقت» ۱۰ سالگی آن قدر مبارک هست که مسئولان این رویداد را به فکر انداخت با بریدن و سوزیک، شیرینی آن را به کام علاقه‌مندان و همراهان سینمای مستند ماندگار کنند؛ کیکی که به دست منوچهر طیباب بریده شد.

گزارش

ع



نشریه روزانه دهمین جشنواره بین المللی فیلم مستند ایران / سینما حقیقت | شماره دوم | دوشنبه ۱۵ آذر ماه ۱۳۹۵



# Magic of Light and Color in Image

Sohrab Nourbakhsh talked about correction of light and color in films in his first educational workshop of documentary cinema. Workshop Title: Correction of Light and Color Expert: Sohrab Nourbakhsh Correction of Light and Color Workshop was the first educational workshop of Cinema Verite which was mostly welcomed by audience. In this workshop it was tried to teach correction of light and color by using da Vinci software. Sohrab Nourbakhsh was the master of this workshop which taught correction of light and color practically. Then after, the audience of the workshop asked their question from him.



## جادوی نور و رنگ در تصویر

سهراب نوربخش در نخستین کارگاه آموزشی سینمای مستند، از چگونگی اصلاح نور و رنگ فیلم‌ها می‌گوید

سارا شمیرانی

Sara.shemirani66@gmail.com

- موضوع کارگاه: تصحیح رنگ و نور
- کارشناس: سهراب نوربخش

کارگاه تصحیح رنگ و نور نخستین کارگاه آموزشی سینمای حقیقت بود که با استقبال خوب شرکت کنندگان مهم مواجه شد. در این کارگاه تلاش شد تا به شکل عملی و با استفاده از نرم افزار داوینچی چگونه اصلاح رنگ و نور، آموزش داده شود. سهراب نوربخش، استاد این کارگاه بود که به شکل عملی اصلاحات نور و رنگ را آموزش داد. در پایان این کارگاه، شرکت کنندگان سوالات خود را از این کارشناس پرسیدند. گزیده‌ای از گفته‌های نوربخش را بخوانید:

### مساله اصلاح رنگ از چه سالی جدی شد؟

از سال ۲۰۰۸ که فراگیر شدن دوربین‌های دیجیتال مطرح شد، مساله اصلاح رنگ جزئی از سینما شد. دوربین‌های دیجیتال با توجه به تنظیمات متفاوتشان، رنگ‌های مختلفی دارند و همین باعث شد چالش‌های زیادی بر سر مساله رنگ و نور ایجاد شود. ابزارها با توجه به توانایی‌هایشان می‌توانند نتایج متفاوتی داشته باشند، اما چون سینما دارای استانداردهای مشخصی است، باید از یک الگو برای این موضوع پیروی کرد. نکته مهمی که در رابطه با سینمای مستند وجود دارد، این است که همه چیز در لحظه تغییر می‌کند. اصلاح رنگ در این نوع سینما کمک می‌کند خطاهای موجود در فیلم اصلاح شود. بد نیست بدانید روش‌های افزایش کیفیت تصویر یا سه عمل قابل انجام است؛ نخست با استفاده از تنظیمات دوربین برای پردازش تصویر، دوم با استفاده از رکورد خروجی از دوربین و سوم از طریق ارتقا یا تغییر FilmRow.

### رنگ و نور، مساله مهم در تصاویر

کار روی رنگ عکس یا تصاویر متحرک به هیچ وجه موضوع تازه‌ای نیست و از ابتدای پیدایش ثبت عکس روی صفحه‌های نقره‌ای تا فیلم‌های نجاتیو و تا امروز همراه بوده است. این پردازش از کارگاهی که نگاتیو یا رسانه ثبت تصویر را می‌سازد، شروع می‌شد و تا تاریخانه در مراحل ظهور و چسب عکس از مواد شیمیایی و زمان به کار بردن آن‌ها برای ظهور و در هنگام چاپ در انتخاب کاغذ ادامه پیدا می‌کرد. این روند با مدت زمان نوردی به کاغذ عکس و فیلترهای رنگی که می‌تواند مقابل کاغذ عکس قرار داده شود تا در رنگ و نور موثر باشد، به پایان می‌رسد. در این دوره با دوربین‌های دیجیتال نیز عوامل مختلفی بر ثبت تصویر (چه ثابت یا متحرک) تاثیر می‌گذارند. از شرکت تولیدکننده دوربین که شامل حسگر (سنسور) و نرم‌افزاری که اطلاعات دریافت‌شده از حسگر را پردازش می‌کند تا نرم‌افزاری که روند

سرمدای یارنگ دیگری غیر از سیاه به چشم بیاید. همواره سوال این است که چه معیاری برای تنظیمات یا تغییراتی که در رنگ‌های تصویر اعمال می‌شود، وجود دارد و چگونه می‌توان اطمینان پیدا کرد تنظیمات اعمال‌شده در کامپیوتر خود با آن چه قرار است از تلویزیون، ماهواره یا پروژکتور پخش شود، نزدیک است.

### دو جواب برای این سوال‌ها هست:

۱. برای تنظیمات نهایی از مانیتورهای حرفه‌ای که رنگ‌ها را مطابق استانداردهای پخش تلویزیون‌ها نشان می‌دهند استفاده کنید. این روش برای برخی هزینه بالایی دارد. این مانیتورها که به Broadcast Monitor معروف هستند، قیمت نسبتاً بالایی دارند، همچنین کارت ویدئویی که خروجی مناسب این مانیتورها را تامین می‌کنند، هزینه بر است. در صورت داشتن بودجه، این روش بسیار سریع و موثر است و کار را بسیار راحت می‌کند.  
۲. اما جواب دوم استفاده از نمودارهای آنالیز رنگ و نور است که در تمام نرم‌افزارهای حرفه‌ای تدوین و جلوه‌های ویژه یا تصحیح‌کننده رنگ قرار داده شده است. این نمودارها به Scopes یا Reference monitor معروف هستند. شکل این نمودارها و معیارشان در بیشتر نرم‌افزارها مشابه است.

### کارت خاکستری به چه کاری می‌آید؟

شاید تا به حال شنیده باشید که برای انجام White Balance در دوربین هنگام عکاسی یا فیلمبرداری بهتر است از کارت خاکستری استفاده کرد و اگر این کارت در دسترس نباشد می‌توان دست خود را به جای آن جلوی دوربین گرفت و عمل White Balance یا تنظیم حرارت رنگ را بر اساس آن انجام داد. می‌دانم خیلی‌ها از کاغذ سفید برای این کار استفاده می‌کنند. از کاغذ سفید هم می‌توان استفاده کرد، فقط یک نکته وجود دارد که باید به آن توجه داشت: کاغذ سفید در نور کم و سایه بسیار خوب عمل می‌کند، اما در صحنه‌ای که نور زیادی وجود دارد یا در High-light یا بخشی که بر اثر شدت نور سفید شده است، کاغذ سفید نمی‌تواند شدت رنگ غالب را در سطح خود نشان دهد. در صورتی که با تحلیل رنگ خاکستری در Vector Scope، رنگ غالب به راحتی خود را نشان می‌دهد اما به چه دلیل کارت خاکستری و پوست دست انسان می‌تواند جایگزین هم شوند؟ و چرا هیچ اشاره‌ای به رنگ پوست متفاوت نژادها نشده است؟ دلیل آن را در پنجره Vector Scope می‌توان بررسی کرد. در Vector Scope، رنگ خاکستری دقیقاً در مرکز آن قرار دارد.

تدوین و گرفتن خروجی در آن انجام می‌شود و تکنولوژی ساخت آن‌ها، تا رسانای که فیلم یا تصاویر قرار است از آن پخش شوند. (سالن سینما، تلویزیون، مانیتور کامپیوتر، وب، تبلت، موبایل یا انواع رسانه‌های چاپی)، بنابراین پردازش تصاویر جزئی جدایی‌ناپذیر از فرآیند ثبت تصویر تارایه آن است.

### نرم‌افزارها به کمک دنیای دیجیتال آمدند

امروزه بیشتر دوربین‌های سینمایی و حرفه‌ای سعی می‌کنند حد اکثر اطلاعات دریافتی از سنسور را در اختیار کاربر قرار دهند تا بازه رنگی کمی مشابه فیلم‌های نگاتیو برای کاربران ایجاد کنند. کلید استفاده درست برای تصحیح رنگ در تمامی برنامه‌ها، در درک مفاهیم پایه رنگ‌های دیجیتال نهفته است که تمام ابزارهای تصحیح رنگ بر طبق آن‌ها طراحی شده‌اند. در تصاویر دیجیتال (در کامپیوتر) نور و رنگ معادل یکدیگرند، به زبان دیگر چیزی به نام نور وجود ندارد، تنها کدهای رنگ وجود دارند. تعریف نور به شیوه محاسبه گاما یا فاصله سفید تا خاکستری تا سیاه بازسازی می‌شود تا برای کاربری که با میزان نوردهی به سنسور یا فیلم آشناست، قابلیت کنترلی مناسبی با مفاهیمی که در ذهن دارد، ایجاد شود. یادآوری این نکته ضروری است که شیوه‌های متنوعی برای اصلاح رنگ با رسیدن به رنگ دلخواه‌تان وجود دارد و ابزارهای مختلفی برای این منظور طراحی شده و شیوه‌های ترکیبی متنوعی نیز وجود دارد.

### چرا رنگ‌ها در مانیتورهای مختلف متفاوت است؟

حتماً برخی از شما با این مورد مواجه شده‌اید که یک ویدئو در مانیتور شما با رنگ و کنتراست مناسب دیده می‌شود اما در مانیتوری دیگر یا در تلویزیون خانگی، رنگ‌ها و کنتراست متفاوتی ظاهر می‌شود و شاید بخشی از صحنه بر اثر شدت نور کاملاً سفید دیده شود یا جایی که انتظار دیدن رنگ سیاه می‌رود، رنگ





# جشنواره سینما حقیقت اعتبار جهانی دارد

مر ترضی رزاق کریمی، مشاور عالی و سرپرست معاونت فرهنگی مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی از فعالیت های مرکز و جشنواره دهم می گوید

لیلا علیپور  
lepasoma@gmail.com

مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سالیان سال است در زمینه تولید فیلم مستند حضوری مستمر و تاثیر گذار داشته است. برگزاری جشنواره سینما حقیقت از یک سو و حمایت از تولید فیلم مستند از سوی دیگر، دو شاخصه مهم مرکز به شمار می آید. مر ترضی رزاق کریمی، سرپرست معاونت فرهنگی مرکز تاکید دارد در جشنواره سینما حقیقت بین تولیدات مرکز و سایر فیلم ها تفاوتی وجود ندارد. او بر اثر گذاری جشنواره سینما حقیقت بر سینمای مستند ایران توجه دارد و نمود آن را در اشتیاق فیلمسازان برای شرکت در جشنواره می داند. این تهیه کننده پرچم سینمای مستند، نگاه حمایتی مرکز از جوانان را منوط به حضور و درخشش آن ها در جشنواره نمی داند و فقط موفقیت های حاکم بر استانداردهای فیلمسازی مستند را ملاک اصلی این گونه حمایت ها قلمداد می کند.

■ در دهمین سال برگزاری جشنواره سینما حقیقت، آیا می توان به این جمع بندی رسید که بر بای این جشنواره تأثیری مشخص در جریان فکری و تکنیکی محصولات سینمای مستند ایران داشته است؟

جشنواره یکی از حلقه های زنجیره سینمای ما می تواند باشد، چه سینمای مستند و چه داستانی. جشنواره سینما حقیقت چون به طور تخصصی روی سینمای مستند متمرکز شده است، از همان سال های آغازین هم به لحاظ شیوه برگزاری جشنواره در مقایسه با جشنواره های دیگر به استانداردهای روز دنیا نزدیک بود. طی دوره های بعد با تجربه هایی که به دست آمد، خوشبختانه توانست مسیر خود را خوب پیدا کند. در بعضی از جشنواره های حلقه زنجیر به حلقه های قبل و بعد خود متصل نیست. جریان تولید، اهمیت و جایگاهی نزد دست اندکاران پیدا نمی کند. اما جشنواره های سینما حقیقت از همان دوره های اول نزد مستندسازان ایران و حتی در دوره های بعد در سطح بین المللی اعتبار جهانی پیدا کرد، ولی نقشی که در بین مستندسازان داخلی داشت، بسیار پررنگ و پراهمیت بود، به طوری که خیلی از مستندسازان تلاش می کنند فیلم خود را در یکی از بخش های سینما حقیقت به نمایش در آورند. توجه دبیران جشنواره در دوره های مختلف به جوایز تخصصی و مسابلی بود که در سینمای مستند اهمیت ویژه ای دارند، از جمله پژوهش و تحقیق و در دوره های اخیر موسیقی بود. کارگردانی و فیلمبرداری هم مورد توجه بوده، اما جوایز تخصصی فیلم مستند به طور قطع توجه مستندسازان را برای ارتقای کیفی کارهای شان جلب کرد. این امر باعث شد مستندسازان برای این که بیشتر و بهتر در جشنواره دیده شوند، از عوامل حرفه ای استفاده کنند

■ این اتفاق به نظر شما رخ داده است؟

در دوره های اخیر جشنواره سینما حقیقت این اتفاق افتاده و حتی به نظر من فیلمسازان مستند کمی بیش از آن چیزی که برای یک جشنواره لازم است، برای آن اهمیت قائل می شوند و خیلی وقت ها ما شاهد هستیم که آثارشان را با شتاب و عجله قبل از این که مراحل فنی فیلم شان به طور کامل طی شده باشد، به دبیرخانه جشنواره تحویل می دهند. این نشان دهنده اهمیت جایگاه جشنواره سینما حقیقت است که در دوره دهم که امسال باشد، به بلوغ و پختگی رسیده است.

ما، هم از تعداد و هم کیفیت فیلم ها می توانیم این ارزیابی را داشته باشیم که جشنواره سال به سال پر بارتر می شود. فکر می کنم امسال رقابت خیلی سختی در پیش باشد. امسال میانگین سطح کیفی فیلم ها به خصوص در بخش مستند بلند در میان دوره های گذشته در بالاترین سطح خود است.

■ چه جایگاهی برای تولیدات مرکز در جشنواره سینما حقیقت می توان قائل بود؟ آیا مرکز نگاه ها با تولیدات مرکز است یا تفاوتی در این زمینه بین تولیدات مرکز و محصولات مستقل وجود ندارد؟

ما در جشنواره سینما حقیقت برای تولیدات مرکز هیچ امتیاز ویژه ای قائل نمی شویم. تولیدات مرکز هم مثل تولیدات سایر نهادها و بخش خصوصی برای ما است. من حتی می خواهم بگویم بعضی وقت ها حتی می تواند برعکس هم باشد. برگزار کنندگان جشنواره و دبیر آن به هیچ وجه در انتخاب آثار به هیات های انتخاب نکته ای را حتی به شکل غیر مستقیم هم توصیه نکردند. کاملاً مستقل هیات های انتخاب و داوری کار خود را انجام داده اند. دوره گذشته، ما از تولیدات مرکز فیلمی داشتیم که در جشن خانه سینما بیشترین جایزه بهترین مستند جشن خانه سینما را گرفت. اما همان فیلم در جشنواره سینما حقیقت هیچ جایزه ای دریافت نکرد، یعنی کاملاً استقلال هیات های انتخاب و داوری در همین نمونه ای که اشاره کردم، مشهود است. تاکید دارم که تولیدات مرکز در جشنواره هیچ امتیاز و برتری بر تولیدات دیگر ندارند.

■ جوانانی که در جریان جشنواره سینما حقیقت کشف می شوند، چقدر راغب به همکاری برای ساخت آثارشان با همکاری مرکز هستند و مراجع می کنند؟

در کل ما برای جوان ها فارغ از این که در جشنواره باشند یا نباشند، فرصت تولید فراهم می کنیم. البته شرایطی وجود دارد. ما با استاندارد فنی و حرفه ای کار می کنیم. اعضای انجمن های مستندسازان و تهیه کنندگان مستند خانه سینما یا جوان هایی که تجربه کمتری دارند و ممکن است عضو هیچ کدام از این انجمن ها هم نباشند، اما در جشنواره های معتبر از جمله جشنواره سینما حقیقت جوایزی را کسب کرده باشند، مورد حمایت مرکز قرار می گیرند.

■ شما از کیفیت فیلم های مستند امسال ابراز رضایت کردید. فاکتورهای دخیل در این رشد را چه می دانید؟

سینمای مستند در یک دهه گذشته رشد قابل توجهی کرده است. شاید بخشی از این رشد حاصل اتفاقات فنی و تحولات تکنولوژیک باشد که سهولت بیشتری از نظر فنی فراهم می آورد. امکانات فنی خیلی وسیع تر و فرصت آزمون و خطا برای فیلمسازان فراهم شده

- ما در جشنواره
- سینما حقیقت
- برای تولیدات
- مرکز هیچ
- امتیاز
- ویژه ای قائل
- نمی شویم.
- تولیدات مرکز
- هم برای ما
- مثل تولیدات
- سایر نهادها و
- بخش خصوصی
- است. من حتی
- می خواهم
- بگویم بعضی
- وقت ها حتی
- می تواند
- برعکس هم
- باشد
- از کیفیت
- فیلم ها
- می توانیم
- این ارزیابی را
- داشته باشیم
- که جشنواره
- سال به سال
- پر بارتر می شود.
- فکر می کنم
- امسال رقابت
- فنی سستی در
- پیش باشد



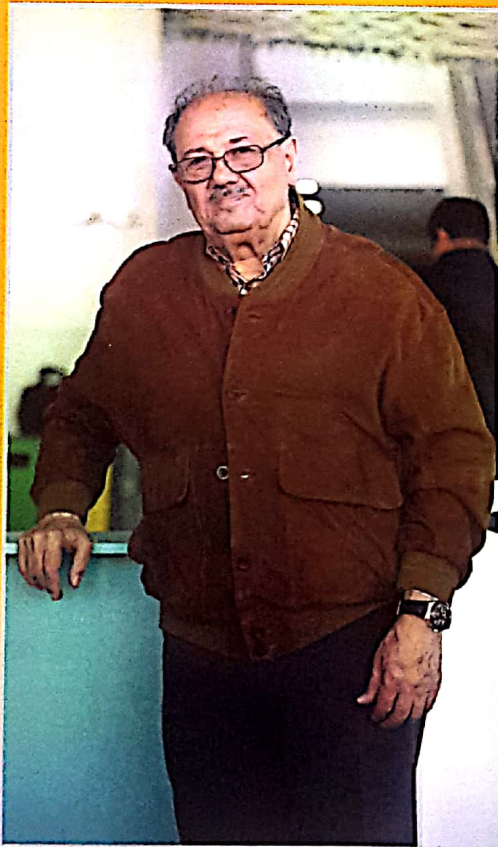
# مستند خوب ایده مے خواهد، نه امکانات

منوچهر طبیب در گفت و گو با نشریه روزانه  
«سینما حقیقت» از تجربیات و دغدغه‌هایش می‌گوید

محمدصابری  
m.saberil63@gmail.com

ویژه‌ترین چهره حاضر در آیین افتتاحیه دهمین جشنواره سینما حقیقت، منوچهر طبیب بود. استاد با سابقه مستندسازی که سال‌هاست ایران را در محافل جهانی سینمای مستند نمایندگی می‌کند و بر مبنای یک علاقه شخصی حالا همان جشنواره سینما حقیقت شد تا یک ۱۰ سالگی این رویداد را برش بزند. این حضور اما فرصتی غنیمت بود تا در لابه‌لای گپ و گفت دوستانه مستندسازان جوان تر و پیشکسوتان هم‌نسل، دقایقی پای صحبت‌های این مستندساز با سابقه بنشینیم. طبیب که دانش آموخته رشته معماری از دانشگاه فنی و تحصیلکرده رشته کارگردانی سینما و تلویزیون و طراحی صحنه از دانشکده سینمایی آکادمی دولتی موسیقی و هنرهای نمایشی وین است، با کوله‌باری از تجربه و با انرژی مثال‌زدنی در جشن افتتاحیه دهمین جشنواره «سینما حقیقت» حاضر شده بود. رویدادی که طبیب خود آن را «فرزند خلف» سال‌ها تلاش برای احیای سینمای مستند در ایران توصیف می‌کند و حالا به بهانه برگزاری دهمین دوره آن به بازخوانی تجربیات و آموخته‌های خود در حوزه مستندسازی پرداخته است. منوچهر طبیب در کنار مستندسازی یک ایران‌شناس قهار است و در مجموعه آثار مستندی که تا به امروز از او به یادگار مانده، در فرهنگ و تاریخ ایران زمین ردپای پررنگ دارد. این نکته‌ای است که در صحبت‌های کوتاه طبیب در آیین افتتاحیه جشنواره دهم هم نمود داشت و او در همین فرصت اندک تأکید ویژه‌ای بر نقش سینمای مستند در معرفی ایران به جهان کرد. همین دغدغه و رویکرد، بهانه‌ای شد تا گفت و گو با او را از همین زاویه آغاز کنیم. استاد منوچهر طبیب در این گفت و گو از «سینمای مستند ایران» می‌گوید.

مشروح مصاحبه در صفحات ۸ و ۹



Interview

No.2, Mon, 5<sup>th</sup> Dec. 2016

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

7

## Cinema Veritels An Authentic Global Film Festival

Morteza Razzagh Karimi, the high advisor and Cultural Deputy of DEFC talked with us about activities of the center also 10th festival. DEFC has had an influential and continuous presence in supporting documentary cinema. Holding Iran Documentary Film Festival on the one hand and supporting producing documentaries on the other hand are two main characteristics of DEFC. Morteza Razzagh Karimi who is the head of cultural deputy of DEFC believes that there is no difference between productions of the center and the other films. "However, influences of Cinema Verite on Iranian documentary Cinema is obvious, the proof is the warm welcome and enthusiasm of directors to participate in the festival. Moreover, DEFC never supports documentaries in the condition of participating and awarding in the festival but it only considers the standards of documentary filmmaking as the main criteria." Morteza Razzagh Karimi

است، البته عوارض خود را هم دارد. در واقع این تحولات فنی و تکنولوژیک آسیب‌هایی هم داشته، ولی فرصت تولید با امکانات محدود و با کیفیت بالا فراهم آمده است. دوربین‌های مدرن دیجیتال و فول‌آچ‌دی حتی بعضی از موبایل‌ها تصویری را ثبت می‌کنند که مادر دهه‌های گذشته با دوربین‌های خیلی بزرگ و امکانات وسیع هم نمی‌توانستیم به چنین کیفیتی برسیم. نکته دیگر آموزش‌هایی است که طی سال‌های اخیر ارائه شده است.

■ که جایگاهی ویژه در جشنواره سینما حقیقت دارد.

بله، ما در جشنواره سینما حقیقت دوره‌های آموزشی را با حضور اساتید تراز اول جهانی و ملی برگزار کردیم. همین‌طور کارگاه‌هایی که در طول سال برگزار شده و امکانات ارتباطی که ما در سال‌های اخیر در کشورمان داشتیم، این فرصت را برای فیلمسازان فراهم کرده که با استانداردهای بین‌المللی بیشتر آشنا شوند و لزوم سفر به یک کشور دیگر برای آشنایی با مسایل فنی نباشد. فیلم‌ها به سادگی در دسترس همه فیلمسازان است. البته جشنواره هم حتما تأثیر خود را داشته است. فعالیت‌های دیگری هم توسط افراد صورت گرفته، از برنامه‌های نمایش تا برگزاری کارگاه‌های آموزشی و نمایش فیلم که انجمن‌های تهیه‌کنندگان مستند و مستندسازان در خانه سینما داشتند. در سال‌های اخیر هم با حمایت‌های مرکز گسترش اتفاقاتی از این دست افتاده است. فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی و کتاب‌هایی در این سال‌ها منتشر شده است. مرکز گسترش هر سال تعداد زیادی کتاب با محوریت سینمای مستند با همکاری اساتید، محققان و پژوهشگرانی که سال‌ها در این زمینه کار کرده‌اند، منتشر کرده؛ هم تالیف، هم ترجمه بوده است. مجموعه‌ای از این‌ها منجر به رشد کیفی کاملاً قابل توجهی در حوزه مستند شده، البته نمایش آثار مستند در سال‌های سینما از هنر و تجربه شروع شده و پیش از آن هم بیش از یک دهه است که در خانه هنرمندان، فیلم مستند نمایش داده می‌شود. باتوق‌ها و فضاهای فرهنگی که با تلاش و همت مستندسازان ایجاد شده، همه در رشد سینمای مستند موثر است.

■ آیا سینمای مستند بحران زاست؟

اتفاقاً سینمای مستند بحران زانیت ولی بخشی از سینمای مستند می‌تواند بحران‌ها را به تصویر بکشد. این کار خیلی هم جذاب است اما نه با هدف تخریب جامعه، بلکه انگیزه مستندساز وارد کردن نقد سازنده به مسائل اجتماعی است. فیلم مستند می‌تواند به جامعه و مسئولین هشدار بدهد و به هیچ عنوان سینمای سیاه‌نمایی نیست. جامعه وقتی تصویر آسیب‌هایش را ببیند، در راستای اصلاح خود قدم برمی‌دارد. فیلم‌های مستند سی و چهارمین جشنواره فجر، با نگاه احترام‌آمیز، بخشی از هویت ما را به تصویر می‌کشد و نگاهی به بحران‌های منطقه و جهان دارد. این آثار باعث اقتدار بیشتر ما و حتی افزایش امنیت ملی و بین‌المللی می‌شود. در یک نگاه کلان، ما در دهه‌ها و سال‌های اخیر به تعریف جدیدی از سینما رسیده‌ایم و آن اینکه سینما سینماست و نمی‌شود میان سینمای مستند، انیمیشن و داستانی تفکیک جدی قائل شد. تا سه دهه پیش مرزبندی‌های پُررنگی میان این‌ها بود، اما امروز هم به لحاظ درام و هم ساختار فنی، نمی‌توانیم بگوییم قطعا سینمای داستانی جذاب‌تر از مستند و انیمیشن است و بالعکس. برخی از این آثار به لحاظ جذابیت، در یک راستا قرار می‌گیرند و از نظر شیوه روایت، ساختار و عناصر فنی و هنری نیز کاملاً نزدیک به هم حرکت می‌کنند. این اتفاق است که از یک دهه پیش در سینمای جهان افتاده است. برداشتن این مرزبندی با بخشنامه صورت نگرفته، بلکه ماهیت سینمای تفکیک‌ها را از بین برده است.







کارش تسلط داشته باشد. تفاوت فیلم‌های مستندی که می‌ماند با اناری که ساخته می‌شود، چندبار نمایش داده می‌شود و سرانجام هم از یاد می‌دود، دقیقا در همین مساله است. آن فیلم‌های ماندگار دست روی مسایل مهمی می‌کنند و با پژوهشی آن را به یک مستند تبدیل می‌کنند. به عنوان مثال ما چندین سال پیش مجموعه مستندی را درباره معماری ایران کار کردیم که هنوز این آثار در دانشکده‌های ما تدریس می‌شود. حداقل این است که اگر دانشجو و استاد فرصت مسافرت و بازدید نزدیک از مسجد جامع اصفهان را ندارند، این فیلم‌ها برای شان حکم مرجع پیدا می‌کند. مستند به گونه‌ای باید ساخته شود که وقتی مخاطب آن را تماشا می‌کند، احساس کند در محل قرار دارد. نمایش فضاها، رابطه فضاها با هم، کنتراست محیط، عامل نور و خیلی نکات دیگر باید در روایت تصویری از شما یک بانحاف شود. اگر این گونه پیش بروید، حاصل شما کارنات مستندی می‌شود که به درد دانشجو و استاد هم می‌خورد.

**آن وقت دیگر کار کرد داخلی و خارجی هم موضوعیت پیدا نمی‌کند.**  
پایدم می‌آید روزی در مسجد جامع اصفهان خاتم نوربستی را دیدم که به ستون‌های مسجد دست می‌کشید و انگار می‌خواست تبرک بجوید. گفتم شما چطور چنین علاقه‌ای به این بنا دارید که این قدر علاقه‌تانه آن را لمس می‌کنید؟ من را هم نمی‌شناخت، در پاسخ گفتم من در مجارستان مستندی درباره این مسجد در اصفهان دیده بودم و آن قدر جذب این بنا شدم که گفتم باید بیایم و این را از نزدیک لمس کنم.

**و آن مستند هم محصول کار شما بود.**  
بله از همین مجموعه معماری ایران بود. من وقتی قرار است از یک بنا مستندی را بسازم این بنا در واقع یک جسم سه‌بعدی است و فیلمی که دوربین من ضبط می‌کند، دو بعدی است. من باید ببینم با چه شگردی می‌توانم بعد سوم را به مخاطبم القا کنم. آیا نیاز به لنز خاصی دارم؟ آیا باید پرسکینو و بزهای به کار بدهم؟ دوربین من باید در لابه‌لای این ستون‌ها حرکت کند تا حس حال آن به مخاطب منتقل شود؟ نورپردازی محیط چه نقشی قرار است در روایت من داشته باشد؟ اگر مخاطب مستند من این حس را درک نکند، حاصل کارم در واقع یک عکس است. نه یک فیلم مستند. من اپوز فیلم را انتخاب کردم و باید از امکانات و ظرفیت‌های آن استفاده کنم. تا زمانی که به این ابزار آگاه نشدم و شناخت و سواد معماری نداشته باشم، حتما نمی‌توانم چنین روایت مستندی را ثبت کنم. کما این که خود بنده تا دوره لیسانس معماری می‌مستم و نمی‌دانستم در مواجهه با این بناها چه باید بکنم. این رویکرد در ساخت یک مستند اجتماعی هم باید لحاظ شود.

**اتفاق این نکته جالبی است کسه به نظر می‌رسد این جنس از مستندسازی پژوهشی و علمی، در ساختی متفاوت از مستندهای اجتماعی و چالشی روز تعریف می‌شود که بیشتر مورد اقبال و توجه مستندسازان جوان تر است. این دو ساخت آیا تضاد و تناقض ذاتی با هم**

به ارایه سند داشته باشد، جبهی از این سینما، جنبه ربیبی شناسله آن است. شما هم آسانی هستی آگاه و هنرمند که می‌دانی چگونه باید از این ابزار استفاده کنی. شاید من نوعی نگویم این ابزار را نمی‌شناسم و نمی‌خواهم فیلم بسازم، بلکه ابزار قلم را می‌شناسم و می‌روم کتاب می‌نویسم. آن خا ابزارم کاملا متفاوت می‌شود، اما اصل حرف این است که من نتوانم خودم و فکرم را از طریق این ابزارها به دیگری ارایه دهم.

**فرآیند رسیدن یک مستندساز به یک سوزو چگونه طی می‌شود؟ آیا باید به دنبال مواجهه با یک دغدغه باشد یا می‌تواند بنشیند و براساس یک طراحی سراغ یک مساله برود؟ مثلا همین مستند «از مغرب به مشرق» که از شمارد جشنواره امسال می‌بینیم چگونه متولد شد؟**

این کار در واقع مستند نیست، بسرم به همراه یکی از دوستانم می‌خواستند سفری را با موتور از اروپا به ایران داشته باشند. گروه موتورسواری که برنامه‌های مختلفی در تمام دنیا دارند و به نوعی چالنگر محسوب می‌شوند. گروهی از این‌ها شاید صرفا برای تفریح به نقاط مختلف و کشورهای دیگر سفر کنند. اما عده‌ای این سفرها را بپایه قرار می‌دهند تا در جریان زندگی مردم در دیگر کشورها قرار بگیرند.

**این همان حسی بود که شما احساس کردید ظرفیت تبدیل شدن این سفر به یک فیلم مستند را دارد؟**  
موقنی که بسرم تصمیم گرفت با یکی از دوستانم سفری این گونه به ایران داشته باشد، یکی از این شبکه‌های تلویزیونی پیشنهاد داده بود که در شرایط امروز ایران در جهان، به بدست گزارشی تصویری از این سفر بسازید. وقتی این سوزو را با من در میان گذاشتند، احساس کردم به این علاقه‌مندم، به همین دلیل با آن‌ها همسفر شدم. وقتی هم تصمیم به این کار گرفتیم برای نخستین بار به جای این که مثل همیشه با گروه ستر کار بروم، خودم به تنهایی هم فیلمبرداری کردم. هم جلدار دارم و هم کارگردان همه کارها را خودم به عهده گرفتم و گفتم حالا که قرار است تصویری از این سفر به دیگران ارایه کنم، بهتر است گوشه‌هایی از فرهنگ مردم کشور را هم در آن نشان دهم. حاصل کار برای کشورهای اروپایی بسیار جذاب شده و این جا هم خوانندگی نامیشی در سینما حقیقت داشته باشد و امیدوارم شما هم ببینید و دوست داشته باشید.

**یعنی باز هم گام نخست برای ساختن این مستند، دغدغه شما نیست به یک سوزو بود.**  
بله. اسلام‌یاد بنامه چه حرفی می‌خواهم بزنم. در عین حال که این تجربه برای من جالب بود، چرا که اساسا فیلم‌نامه‌ای برای آن نداشتم و تجربه‌ای بود که نتوانم چنین فیلمبرداری و به صورت هم‌زمان در ذهنم تصویر را دکوپاژ بکنم تا خروجی نهایی آن یک مستند بگردد...

**که قرار بود گزارش خبری صرف هم نباشد!**  
دقیقا. این مستند گوشه و کنار ایران را به تصویر درمی‌آورد، اما در عین حال بخش‌هایی از فرهنگ کشور را هم می‌توان در آن دید. اگر فیلم در خارج از کشور

یک قیاس کلی سطح سینمای مستند ایران را نسبت به مستندسازی دنیا چگونه ارزیابی می‌کنید؟ تفاوت و فاصله‌ای که در سینمای داستانی با تولیدات مثلا سینمای هالیوود احساس می‌کنیم، آیا در سینمای مستند هم وجود دارد؟

به هیچ وجه. سینمای مستند ایران در سطحی کاملا مساوی و برابر با سینمای مستند جهان در حرکت است، به همین دلیل هم من در هر جشنواره‌ای شرکت می‌کنم، جایزه می‌گیرم من که برای جشنواره‌ها و جوایز فیلم نمی‌سازم. فیلم خودم را می‌سازم، اما وقتی آن‌ها فیلم را در کنار دیگر فیلم‌ها می‌بینند، احساس می‌کنند ما آثاری هم بسنگ می‌چسبانیم. بعد هم چون خارجی‌ها به خصوص در شرایط امروز، بیشتر ایران را از منظر محتوای سیاسی معکس شده در آن‌ها می‌شناسند، وقتی با روایتی متفاوت از سوسی ما روبه‌رو می‌شوند، از آن استقبال می‌کنند و برای شان تازگی دارد. خارجی‌ها می‌دانند که ما درگیر مسایل سیاسی، جنگ هسته‌ای و مواردی از این دست است و اطلاعاتی ندارند زندگی مردم ایران چگونه در جریان است. ما از طریق سینمای مستند، جامعه خود را به دیگران معرفی می‌کنیم. شاید کسی هم مستندی بسازد درباره تنوان نظامی و نیروی دریایی ایران، اما مهم این است که هر فرهنگی خاصیت و بزرگی‌های خاص خود را دارد. همان قدر که ما علاقه داریم درباره یک فرانسوی بیشتر بدانیم، آن‌ها هم چنین علاقه‌ای دارند. ما دارن دیدن ان کشوری است که دو، سه هزار سال فرهنگ دارد، این برای آن‌ها جذاب است. به خصوص که این شنیده‌ها درباره فرهنگ ایران با تصویری که خودشان امروز ایران می‌بینند، به ظاهر هم خوانی دارد و آرایه تصویری واقعی از ایران برای آن‌ها جذابیت بسیاری دارد. به همین دلیل هر گاه خودمان را به عنوان «انسان ایرانی» برای آن‌ها روایت می‌کنیم، آن استقبال می‌کنند.

**و آینه مستند ایران را چطور می‌بینید؟**  
سینمای مستند در همه جای جهان جوان است و این جوانان هستند که میدان را بین حوزه‌اند. در همه کشورها هم همین گونه است. ابزارهای دیجیتال جدید مانند قلم در اختیار همه هست و هر جوانی می‌تواند فیلم مستند بسازد. همه جا هم مستندسازان جوان پای صحبت ما می‌نشینند. تمام تلاش من هم این است که اگر در تمام این سال‌ها تجربه‌ای به دست آورده‌ام تا پیش از آن که نفس آخر را بکشم، آن را در اختیار جوان‌ترها قرار دهم. اکثر هم که به شهرستان‌ها می‌روم، همه جوانان علاقه‌مندی را می‌بینم که امکانات اندکی دارند و از نبود امکانات می‌نالند، اما انرژی و انگیزه دارند. با کمال میل تجربیات رایج این نسل منتقل می‌کنم. آن‌ها چه مدهاشتم، رای آن‌ها در اختیار دارند. آن روزها کسی چیزی نمی‌دانست که به ما آموزش بدهد. ما یک بعد ادبیات را در اختیار داشتیم و اندکی هم موسیقی که برای آموزش آن‌ها هم وجود نداشت. استاد نداشتم. حالا این امکان در اختیار همه هست البته این به معنای آسان شدن کار نیست، به مستندسازان جوان می‌گویم که استعداد شما از من بیشتر است، ذوق شما از من بیشتر است، نیروی شما هم بیشتر است، اما یک چیز را بدانید و آن تجربه است. این‌ها باید با هم تلفیق شود.

نم‌سازم

- از مغرب به مشرق در واقع مستند نیست، پسر به همراه یکن از دوستانم می‌فواستند
- سفری را با موتور از اروپا به ایران داشته باشید، گروه موتورسواری که بیرونه‌های مفصلی در تمام دنیا دارند، اما عده‌ای این سفرها را بپایه قرار می‌دهند تا در جریان زندگی مردم در دیگر کشورها قرار بگیرند



شگفتی‌های ایران

بزرگ‌هشگر و به‌ویژه مستندساز سروکارش همیشه با مردم و آن‌ها هم از همه طبقات اجتماعی است. زندگی و رابطه ما با انسان‌ها، رابطه‌ای دو طرفه است، از هم می‌آموزیم و با آموخته‌ها همان آموزش می‌دهیم. من به خاطر حرفه‌ام در این پنجاه‌و‌اندی سال گذشته با بی‌شمار انسان‌های فریخته‌ها فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون در سراسر ایران آشنا شدم و در تماس هستم، از آن کشاورز خوری در میان کورنک گرفته تا آن جوان بختیاری نقاش و تا آن راننده خوش ذوق و خوش صدای کسرد که ما را به اورامانات تخت می‌برد یا آن دوکان‌نواز تو کمن که نوای سازش در جزگلان بدرقه راه ما بود. این انسان‌های شریف‌سرمایه‌های فرهنگی ما هستند. تمام زندگی شگفتی‌آفرین است. فراموش کردید که در این دنیای وانفاس و در اطراف ما چه می‌گذرد؟ با تهیه همین فیلم‌ها و نگارش همین کتاب‌ها و عکس‌هایی که ما از گوشه و کنار ایران گرفته‌ایم در یک جمله می‌گوییم: «ایران شما از نظر موقعیت جغرافیایی و طبیعی در این نقطه از کره خاکی بی‌همتا و شگفتی‌آور است. بر خیزید و بروید ایران‌تان را بگردید و بیشتر و بیشتر ببینید.»

چطور عاشق مستند شدم؟

آن زمان در ایران سال ۱۳۲۷ اجازه نمی‌دادند برای خواندن رشته سینما به خارج بروم. گفتند این‌ها به درد ایران نمی‌خورد. مرکز به نام اعزام دانشجویان بود که با بستنی پدیرش مان را آنجا رانته می‌دادیم تا هم پاسپورت می‌دادند و هم در مخارج کمک می‌کردند. رئیس آن مرکز آن زمان گفت سینما، تئاتر و موسیقی که به درد ما نمی‌خورد باید بروید مهندسی شوید. وقتی من به دانشکده سینما در اتریش رفتم گفتند با همه علاقه‌ای که داری اما زبان آلمانی نمی‌دانی. به عنوان مستمع آزاد باش تا زبان یاد بگیری. من بعد از سه سال تحصیل در رشته معماری، شروع به تحصیل در رشته سینما کردم. تمام استادی که در دوران جنگ جهانی دوم از اتریش به آلمان منتقل شده بود، بعد از جنگ مجدداً به اتریش بازگشته بود و انباری از فیلم‌های مستند تشکیل شده بود. استاد تاریخ هنر به من گفت اگر می‌خواهی چیزی یاد بگیری برو به این زیر زمین و بشن این فیلم‌ها را ببین. من ۲ سالی در آن زیرزمین وقت گذاشتم و بر من ثابت شد که من جز سینمای مستند کاری دیگری نخواهم کرد.



■ نام فیلم: سایه‌های تنهایی  
 ■ کارگردان: سعید بهلولی  
 ■ مدت زمان: ۴۰ دقیقه

■ درباره فیلم: برای استاد گرافیک (ایرج انواری) که در جریان انقلاب فرهنگی از دانشگاه کنار گذاشته شده، بزرگداشتی برگزار می‌شود، در حالی که او در ۷۲ سالگی و با وجود ابتلا به بیماری پارکینسون همچنان به عنوان معلم حق‌التدریس مشغول به کار است. او که این روزها را با خاطرات خود می‌گذراند.



## بزرگداشتی برای استاد گرافیک

سعید بهلولی از «سایه‌های تنهایی» می‌گوید

روزی یکی از شاگردان ایرج انواری به من گفت که قرار است برای او بزرگداشتی بگیرند و می‌خواست کلیبی از این استاد گرافیک ساخته شود. همزمان با ساخت کلیب هر چه با این مرد بیشتر آشنا می‌شدم، تمایلم برای ساخت مستند از او بیشتر می‌شد تا این که تصمیم به ساخت مستند «سایه‌های تنهایی» گرفتم. انواری درگیر بیماری پارکینسون است و دوران کهولت خود را به سختی می‌گذراند. فیلم با بیوگرافی شروع می‌شود و دوستان ایشان از فعالیت‌هایی که او در زمینه آموزش گرافیک داشته است، می‌گویند. در نهایت به شرایط زندگی استاد انواری که مستاجر است و باید خانه‌اش را تخلیه کند، می‌رسیم که پول کافی برای این کار ندارد.

پس از ساخت مستند «سایه‌های تنهایی» من همچنان پیگیر حال استاد بودم و توجه شدم، متأسفانه اوضاع زندگی ایشان وخیم‌تر شده و با توجه به این که تنها زندگی می‌کند و وضعیت بیماری‌اش حادث شده است، شاگردانش تصمیم گرفتند او را به آسایشگاه سالمندان منتقل کنند.

ما افراد زیادی را شبیه به ایرج انواری داریم که به دوران کهولت رسیده‌اند و کسی آن‌ها را نمی‌شناسد، در حالی که سال‌ها برای این مملکت و آموزش و رشد آن زحمت کشیده‌اند. اگر بخش‌هایی چون خرد و تجربه طی دوره‌های بعدی جشنواره سینما حقیقت تداوم داشته باشند، رویکرد مثبتی است و خیلی از دوستان مستندساز می‌توانند به دنبال چنین سوره‌هایی بروند تا حداقل نام این آدم‌ها ماندگار شود. جامعه هم این افراد را بشناسد و بداند اگر بر خورد اشتباهی درباره برخی از افراد داشته است، حداقل نام آن‌ها در تاریخ ثبت شده و می‌توان این افراد را به نسل‌های بعد معرفی کرد. امیدوارم «سایه‌های تنهایی» توانسته باشد حق مطلب را درباره استاد ایرج انواری ادا کند و تلنگری باشد برای همه ما تا قدر انسان‌های بزرگوار اطرافمان را بهتر بدانیم.

## درباره فیلم

■ نام فیلم: رئیس الوزرا  
 ■ کارگردان: سید محمد رضا هاشمیان  
 ■ تهیه‌کننده: سید محمد رضا هاشمیان  
 ■ زمان: ۷۰ دقیقه  
 مستند رئیس‌الوزرا روایتی از زندگی اجتماعی و سیاسی احمد قوام السلطنه است که پنج بار در تاریخ سیاسی ایران به نخست‌وزیری رسید و حضور وی در قدرت با تحولات بین‌المللی فراوانی همراه بود.



## درباره کارگردان

■ نام کارگردان: محمد رضا هاشمیان  
 ■ مهم‌ترین آثار: «اتاق پرو»، «آسوی دیوار»، «سبز، سید، سرخ»، «شناسنامه»  
 ■ مهم‌ترین جوایز: تندیس فیروزهای کارگردانی از چهارمین جشنواره سینما حقیقت، بهترین مستند در دومین جشنواره مستند شهید اویسی، تندیس فیروزهای بهترین کارگردانی هفت

# قوام؛ سیاست‌مداری خادم‌پاخائن؟

محمد رضا هاشمیان از «رئیس الوزرا» می‌گوید: این مستند با محور قرار دادن زندگی احمد قوام، با نگاهی موشکافانه دوره‌ای پرفراز و نشیب از تاریخ ایران را بازگو می‌کند

عرفان جلالی  
 jalali.se@gmail.com

محمد رضا هاشمیان در مستند «رئیس الوزرا» با بررسی زوایای مختلف زندگی سیاسی و اجتماعی احمد قوام السلطنه به عنوان یکی از تأثیرگذار و مهم‌ترین شخصیت‌های سیاسی دوره قاجار و پهلوی، به تحلیل و موشکافی دقیق یکی از پراشوب‌ترین دوره‌های تاریخی ایران می‌پردازد. روایت هاشمیان از این مستند را بخوانید:

پذیرش این کار به صورت جدی‌تر به این موضوع پرداختم. مهم‌ترین جنبه‌ای که مرا به ساخت این فیلم تشویق کرد، کیاست قوام در همان دوره چهارم نخست‌وزیری بود که با پختگی خاصی توانست بازی سیاسی جذابی را بین دولت‌های آمریکا، شوروی و انگلستان آغاز کرده، امتیازات فراوانی را از آن‌ها دریافت کند و در نهایت کشور را از خطر فروپاشی نجات دهد.

■ دواثر قبلی شما هم به نوعی با تاریخ مر تبیط است، این علاقه به تاریخ از کجایم آید؟

به نظر من تمام مشکلاتی که ما در حال حاضر داریم در بی‌اعتنایی به تاریخ ریشه دارد. بارها شده وقتی درباره مساله‌ای تاریخی تحقیق می‌کنم، متوجه می‌شوم که ما در حال حاضر هم با چنین مساله‌ای روبه‌رو هستیم. این گرفتاری تقریباً در تاریخ معاصر مخصوصاً از مشروطه به این طرف بیشتر به چشم می‌خورد و وقتی آزاردهنده می‌شود که شاهد اشتباهاتی هستیم که مدام تکرار می‌شود. مثال معروفی وجود دارد که می‌گوید در کشورهای پیشرفته با بروز مشکلی برای جامعه ابتدا به سابقه و تاریخ رجوع می‌شود تا ببینند گذشتگان با این مساله چه کرده‌اند، اگر تصمیم درستی گرفته باشند که مسیر را به همان منوال ادامه می‌دهند اما اگر تصمیم اشتباه بوده باشد، پس در پی ترمیم آن برمی‌آیند، اما در ایران چرخ‌ها هر

■ از عنوان فیلم مشخص است که با مستندی سیاسی و اجتماعی روبه‌رو هستیم، «رئیس الوزرا» دقیقاً درباره چیست؟

فیلم روایت مستندی است از دوره چهارم نخست‌وزیری احمد قوام السلطنه. در آن زمان یعنی سال ۱۳۲۴ ایران دوران بسیار پراشوبی را پشت‌سر می‌گذاشت. نیروهای نظامی شوروی برخلاف توافق تهران از خارج کردن نیروهای خود از شمال ایران خودداری می‌کردند تا بتوانند با فشار بر دولت‌ها، امتیاز استخراج و اکتشاف نفت شمال ایران را از آن خود کنند، همچنین با حمایت از گروه‌های جدایی طلب مانند حزب دموکرات آذربایجان و کردستان، استقلال کشور را در خطر قرار داده بودند. در چنین دوران پراشوبی بود که احمد قوام برای چهارمین بار به نخست‌وزیری رسید تا بتواند با تلاش و مدیریت خود کشور را از ورطه بحران خارج کند.

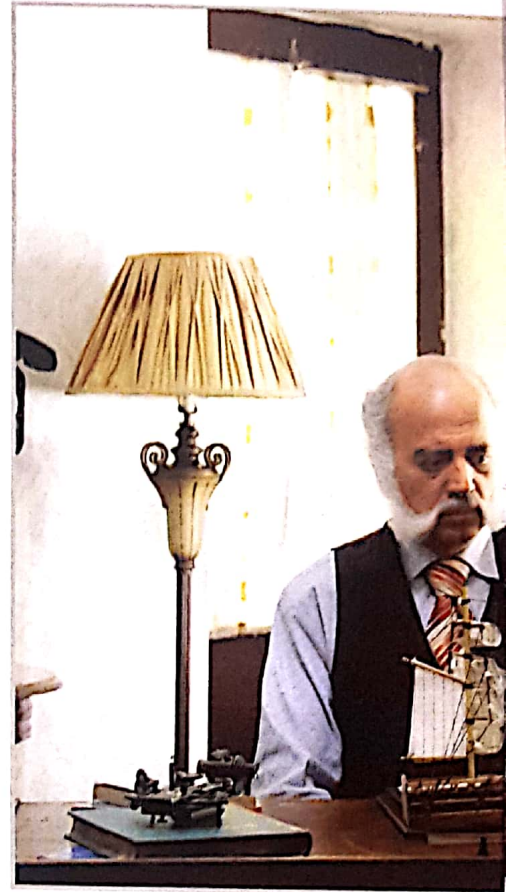
■ چه جنبه‌هایی از شخصیت یا زندگی او برای شما جالب بود که سراغ این شخصیت تاریخی رفتید؟

ساخت این فیلم توسط مسئولان وقت مرکز به من پیشنهاد شد. من در فیلم قبلی‌ام «شناسنامه» اشاره کوچکی به نقش قوام السلطنه در پایان دادن به بحران آذربایجان کرده بودم، به همین دلیل با این شخصیت تاریخی آشنایی داشتم. اما بعد از



## Ghavam; Ministrant or Traitor?

Mohammadreza Hashemian made a documentary named "Raees-ol-Vozara" (Head of Ministers) to talk about prime-ministry of Ahmad Ghavam-o-Saltaneh with scrutiny to a period in Iranian history which was full of ups and downs. Mohammadreza Hashemian in "Raees-ol-Vozara" has considered the different social-political dimensions of Ahmad Ghavam-o-Saltaneh as one of the most influential and important political characters in Qajar and Pahlavi dynasty and then analyses one of the most chaotic periods of Iranian history. "The film is a narrative from 4th time of Ahmad Ghavam-o-Saltaneh's prime-ministry around 1945 in Iran which was a very chaotic time. In that time, Iran was in war with Russia and Ahmad Ghavam accepted to be prime-minister trying to exit Iran from crisis with his art of management. // His character especially in his 4th time of prime-ministry was attractive for me and the way he had a political game with USA, England and Russia in that time. While he finally could save our country from collapse." Mohammadreza Hashemian



- نام فیلم: «ابی کمرنگ»
- کارگردان: آرش لاهوتی
- درباره فیلم: مستند «ابی کمرنگ» روایت زندگی چهار جانباز اعصاب و روان در یکی از بیمارستان‌های روان پزشکی تهران است. این جانبازان که در جنگ تحمیلی ایران و عراق مجروح شده‌اند، سال‌های بسیاری است که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و به همین دلیل هم روابط بسیار جالبی باهم دارند.



## روایتی متفاوت از زندگی جانبازان

پای گفته‌های کارگردان «ابی کمرنگ»

مستند «ابی کمرنگ» به بیان زندگی چهار جانباز اعصاب و روان در یکی از بیمارستان‌های روان پزشکی تهران می‌پردازد. این جانبازان که در جنگ تحمیلی ایران و عراق مجروح شده‌اند، سال‌های بسیاری است که در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و در یک بیمارستان روان پزشکی بستری هستند. در این فیلم سعی کردم نگاه متفاوت‌تری به این شخصیت‌ها داشته باشم و به زندگی اجتماعی آن‌ها چه در داخل بیمارستان و چه در خارج از آن بپردازم. می‌توانم این مستند را مستندی متفاوت از آثار تولیدشده درباره جانبازان بدانم، زیرا تا آن زمان سعی می‌کردم که این مستند روایت متفاوت‌تری داشته باشد. تمرکز اصلی فیلم هم بر زندگی همین چهار شخصیت اصلی قصه و زندگی اجتماعی این افراد در داخل آسایشگاه است. البته ما علاوه بر این که ارتباط این جانبازان با یکدیگر درون بیمارستان را مطرح می‌کنیم، سراغ خانواده‌هایشان نیز می‌رویم تا نگاه به زندگی بیرونی آن‌ها هم داشته باشیم، حتی با این جانبازان به مرخصی می‌رویم. روند پیدا کردن شخصیت‌ها همچنین کسب مجوز برای ساخت این مستند، روند بسیار طولانی بود که حدود هشت ماه طول کشید و بعد از پایان پژوهش‌ها و مشاوره‌های صورت گرفته از مرحله شروع فیلمبرداری تا پایان کار نیز یک سال زمان صرف شد. دلیل این روند طولانی هم در مرحله پیش تولید جلسه‌های مختلف با پزشکان و مشاوران بود، همچنین خانواده‌های این عزیزان برای این که شخصیت‌های نهایی مستند را پیدا کنیم و در مرحله تولید فیلم به غیر از تحقیق و پژوهش‌ها ارتباط گرفتن با خود جانبازها مدتی طول کشید. آن‌ها به دلیل شرایط خاص‌شان سخت‌تر می‌پذیرفتند که کسی بخواهد کنارشان باشد و با دور بین همراهی‌شان کند. با وجود همه این سختی‌ها فکر می‌کنم هر چقدر در این باره فیلم و مستند ساخته شود، باز هم کم است، زیرا ابعاد ناشناخته زندگی جانبازان به قدری هست که بتوان آثار زیادی درباره‌شان ساخت.

## جایزه شهید آوینی

شخصیتی در فیلم بسیار کار سخت و دشواری بود که بتواند بدون موضوع گیری حق مطلب را ادا کند. بخش دوم سختی کار، کمبود منابع تصویری درباره قوام بود. واقعیت این است که برای ساخت این فیلم فقط یک فیلم دو دقیقه‌ای از قوام و حدود ۳۰ عکس در اختیار داشتیم که باید با آن یک فیلم بلند می‌ساختیم. باید اعتراف کنم که کار فوق العاده سختی بود، به همین خاطر ساخت فیلم حدود سه سال و نیم طول کشید.

■ به نظر خودتان برجسته‌ترین ویژگی این مستند چیست؟

در این سال‌ها همیشه تلاش کرده‌ام روی موضوعاتی کار کنم که مخاطب بعد از دیدن فیلم به اهمیت موضوع یا شخص پی ببرد. شاید مهم‌ترین کارکرد فیلم «سبز، سبید، سرخ» که درباره تاریخچه پرچم ایران است این باشد که دیگر کسی بی‌اهمیت از کنار پرچمی که روی پل نصب شده، عبور نکند یا «شناسنامه» هم همین‌طور. درباره قوام هم این‌ها موضوع صادق است. شاید اکثر مردم نام‌های بزرگی در تاریخ مثل مصدق، امیر کبیر، ابن سینا را به خاطر دارند، اما موضوعات یا اشخاص زیادی هستند که با توجه به نقش بزرگی که در تاریخ این مملکت داشته‌اند، لیست افراد جامعه شناخت درستی از آن‌ها ندارند. امیدوارم مخاطبان بعد از دیدن این فیلم به اهمیت شخصیتی مثل قوام در تاریخ ایران پی ببرند. به نظرم همین که یک شخصیت بتواند در دو حکومت (قاجار و پهلوی) که با هم عناد داشتند به نخست‌وزیری برسد، معنی خاصی دارد.

■ مخاطبان این فیلم چه کسانی هستند؟

افراد اهل اندیشه و کسانی که نسبت به گذشته، حال و آینده مملکت دغدغه دارند.

■ آیا فیلم ویژگی‌های دیگری هم دارد که برای مخاطب عام هم جذابیت داشته باشد؟

به نظرم شکل جدید روایت اپیزودیک این مستند می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد، اما از نظر عام شاید مهم‌ترین عامل جذابیت این فیلم، پخش تصاویر آرشیوی غنی همراه با صداست که برای نخستین بار به نمایش درمی‌آیند.

روز از نو اختراع می‌شود.

■ چه مدت زمان صرف پژوهش و تحقیق پیرامون این سوژه کردید؟

حدود دو سال پژوهش کار به طول انجامید و برای کار سخت و طاقت‌فرسای بود.

■ برای این کار از چه منابعی استفاده کردید؟

سعی کردم تقریباً از تمام منابع مکتوب و تصویری که چه در ایران و چه در خارج از ایران در این باره وجود داشت، بهره ببرم. بالغ بر ده‌ها کتاب و صدها مقاله ایرانی و خارجی را مطالعه کردم تا بتوانم درک درستی راجع به شخصیت قوام پیدا کنم، همچنین با پژوهشگران و افراد صاحب‌نظر مختلفی که در این باره تحلیلی داشتند، مصاحبت حضوری و تلفنی داشتیم و برای به دست آوردن بخشی از تصاویر آرشیوی، سفری به مسکو کردم و بخشی دیگری از تصاویر هم از انگلستان و آمریکا خریداری شد، در ضمن به مراکز اسناد مختلفی سر زدم و سعی کردم اسناد درجه اولی را برای استفاده در فیلم تهیه کنم.

■ فرم و نحوه روایت این مستند چگونه است؟ از چه شیوه‌ای برای به تصویر کشیدن این موضوع استفاده کردید؟

در این مستند فرم و شیوه جدیدتری نسبت به دو مستند قبلی‌ام انتخاب کردم؛ به این صورت که در چهار اپیزود با زوایای دید مختلف به موضوع پرداختم که به نظرم شیوه تجربه نشده‌ای حداقل در حوزه مستند بود، البته با توجه به کمبود منابع تصویری در برخی قسمت‌ها دست به بازسازی زدم و سعی کردم از گرفتن مصاحبه پرهیز کنم.

■ مهم‌ترین سختی‌ها و مشکلات تولید «رییس‌الوزرا» چه بود؟

سختی کار را به دو بخش تقسیم می‌کنم؛ ابتدا آمدن خود کاراکتر قوام در فیلم بود. قوام جزو معدود افرادی در تاریخ ایران است که کتب و مقالات زیادی درباره‌اش وجود دارد و بحث اصلی هم در مورد او خدمت یا خیانت است. در واقع برخی از صاحب‌نظران او را فردی خودفروخته، خائن و فرصت‌طلب معرفی می‌کنند و بخشی دیگر او را شخصی خدوم که همیشه حامی منافع ملی بوده، می‌دانند. به نمایش درآوردن چنین

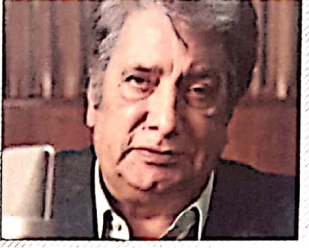
- مهم‌ترین ملیه‌ای که مرا به سافت فیلم تشویق کرد، کیاست قوام است که توانست بازی جذاب بین آمریکا، شوروی و انگلستان راه بیندازد.
- امتیازات فراوانی از آن‌ها دریافت کند و کشور را از فروپاشی نجات دهد



- قوام جزو معدود افرادی است که کتب و مقالات زیادی درباره‌اش وجود دارد و بحث اصلی خدمت یا خیانت است. بخش دوم سفتی کار کمبود منابع تصویری درباره قوام بود



نام فیلم: روزگار بهروز  
 کارگردان: ابوالفضل توکلی  
 درباره فیلم: «روزگار بهروز» نخستین قسمت از مجموعه‌های ۱۰ قسمتی درباره زندگی گویندگان و مجریان قدیمی تلویزیون است. این فیلم در قالب مستندی کوتاه، روایتی از کودکی، مهاجرت، زندگی و فعالیت‌های هنری بهروز رضوی، گوینده و بازیگر سینما، رادیو و تلویزیون را به تصویر میکشد.



قابی برای هنرمندان

روایت ابوالفضل توکلی از «روزگار بهروز»

من برای شبکه مستند سیما، ماینترنامهای تهیه میکردم به نام «گلستانه» که متشکل از تصاویر آرشیوی و قدیمی سازمان بود. در آن تصاویر، اجرایی قدیمی از بهروز رضوی همراه با مرحوم اخوان ثالث پیدا کردم که مربوط به اواخر دهه ۵۰ بود. از آنجا متوجه شدم که رضوی سابقه طولانی در اجرای برنامه دارد. آن برنامه با موضوع ادبیات بود و از همان جا با حجم دانش و آموخته‌های او هم آشنا شدم. همان زمان طرحی را به شبکه دادم که درباره این اسناد فیلمی ساخته شود. «روزگار بهروز» نخستین قسمت از این مجموعه ۱۰ قسمتی است. بعد از آن هم فیلمهایی درباره جلال مقامی، ایرج رضایی و ناصر ممدوح تولید شد. نسخه مربوط به ایرج رضایی با نام «زاده مهر» هم به جشنواره سینما حقیقت ارایه شد که در بخش تجربه و خرد حضور دارد، اما متأسفانه فیلم جلال مقامی با نام «آقا جلال و مستر ارباب» که در جشنواره فیلم کوتاه کاندیدای بهترین کارگردانی شده، در جشنواره سینماحقیقت حتی انتخاب هم نشد.

پیش از اینکه این ایده به ذهنم برسد، دیداری با آقای رضوی در منزلشان داشتم و چند جلسه نشستی مفصلی داشتیم. اطلاعات زیادی را در اختیار من قرار دادند و همراه با اطلاعاتی که خودم جمع آوری کرده بودم، ساخت فیلم را شروع کردیم. در این مجموعه علاوه بر پرداختن به زندگی این اسانید سعی میکنم نگاهی گذرا داشته باشم به اماکن مهمی که از گذشته فعال بودند. در فیلم «روزگار بهروز» به رادیو پرداختیم و به این بهانه تصاویر آرشیوی بسیار بکری هم پیدا کردیم که در فیلم از آنها استفاده شد. ما از کودکی بهروز رضوی و مهاجرت خانوادهاش از بزد به تهران و زندگیاش تا به امروز را میبینیم. علاوه بر اینکه گوینده خوبی است، بازیگر و مجری توانایی بوده و سعی شده به همه اینها با ریتمی که بیننده خسته نشود، پرداخته شود. برخلاف تصور، این مجموعه فیلم ها اصلا گفتگو محور نیست که بخواهیم در میان مصاحبه کات هایی به گذشته داشته باشیم. قصد من ساخت فیلم مستند بود، نه مصاحبه تلویزیونی.

مستند کوتاه



روایت تازه و منصفانه از تاریخ معاصر

در مستند «قابها» کیوان مهرگان سراغ قاب‌های روی دیوار اتاق کار دکتر صادق زیباکلام، رفته و با استفاده از آن‌ها و تک‌گویی‌های زیباکلام به تاریخ معاصر ایران پل زده است

سوسن سیرجانی  
 soosansirjani@yahoo.com

کیوان مهرگان، کارگردان «قابها»، خودش را یک مهاجر می‌داند که از ورزش به روزنامه‌نگاری و از آن به ادبیات و شعر و در آخر از هر سه این‌ها به سینمای مستند کوچ کرده است. او معتقد است «قابها» را برای حضور در جشنواره‌های ساخته و هدف چیز دیگری بوده که در این گفت‌وگو توضیح داد. اگر آن را هم در حد یک محفل خصوصی مانند روی می‌دانسته، اما امسال این فیلم را به جشنواره ارایه داده است.

مستند کوتاه

طبیعتا برای آشنایی مخاطب با کاراکتر روی فیلم، ما نیاز به پردازش شخصیت داشتیم، اما کافی است در یک جلسه فیلمبرداری دوربین را برای چند دقیقه روی صورت زیباکلام نگه دارید. شخصیت شوخ و بزه‌گویا نشان داده می‌شود. در فیلم با نشان دادن شیطنتهایی که زیباکلام در محیط دانشگاه دارد، شخصیتش نشان داده می‌شود. باید اشاره کنم که خود دکتر صادق زیباکلام موضوع فیلم نیستند، بلکه فیلم درباره یکی از دیوارهای اتاق کار او در دانشگاه تهران است و نه همه دیوارها، بلکه فقط یک دیوار.

فرم روایت فیلم چگونه است؟  
 این فیلم به شکل مونولوگ است. دکتر زیباکلام به صورت متکلم وحده قصه‌ها را رمزگشایی می‌کند، البته فقط قصه‌گویی ایشان نیست، چون فرم روایت این گونه است که فیلم با شکست زمان پیش می‌رود، همچنین برای جذاب‌تر کردن روایت و بالابردن درجه مستند آن، از تصاویر آرشیوی هم استفاده کرده‌ایم.

ایده فیلم اولیه چگونه به ذهن تان رسید؟  
 اوایل دهه ۷۰ زمانی که جنگ تازه تمام شده بود، اقبال جوانان شهرستانی به دانشگاه‌های تهران خیلی افزایش پیدا کرده بود. آن زمان من نوجوان بودم، اما به واسطه علاقه‌ام به حوزه کتاب و ادبیات با دانشجویانی که به تهران رفته‌اند داشتم، ارتباط و تماس داشتم. یکی از بچه‌های محل، رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران قبول شد و در تعطیلات به شهر خردمان بازگشته بود. ما کوچک‌ترها مشتاق شنیدن حرف‌های او از تهران و خاطراتش از دانشگاه تهران بودیم. او برای ما از دفتر کار دکتر صادق زیباکلام تعریف کرد که روی یکی از دیوارهایش دو قاب قرار دارد؛ یکی نقاشی یک گربه و دیگری تصویر نلسون ماندلا. از همان زمان این تصویر قاب‌های دیوار اتاق استاد زیباکلام در گوشه ذهن من ماند.

بعد از گذشت سسال‌ها از آن دوره چه شد که تصمیم گرفتید فیلمی درباره این تصویر ذهنی خود بسازید؟  
 سال‌ها بعد وارد فعالیت‌های مطبوعاتی شدم و در تهران به روزنامه‌نگاری پرداختم. در این دوره ارتباط من با دکتر صادق زیباکلام به واسطه حضورم در روزنامه‌های «اعتقاد» و «روزگار» بیشتر شد. اما قرارهای مصاحبه ما بیشتر تلفنی یا در منزل دکتر بود و موفق نشده بودم دفتر کارشان را ببینم. سال ۹۰ به خاطر شرایط موجود مجبور شدم از روزنامه‌نگاری فاصله بگیرم. اما همچنان دوست داشتم ارتباطم را با دوستانم حفظ کنم. برای همین با دکتر زیباکلام تماس گرفتم و او سرا در دفتر کار خود پذیرفت. وقتی وارد اتاق شدم، خاطره قابها برای من زنده شد و همان‌جا متوجه شدم که چقدر این قابها حرف‌های عجیبی برای گفتن دارند. سوال کوتاهی از دکتر پرسیدم و وقتی شروع به توضیح دادن کرد، حرف‌ها را قطع کردم و گفتم مایل هستید این حرف‌ها را جلوی دوربین بگویید؟

و ذهنیت نوجوانی تان از این تصویر، شکل فیلم گرفت؟  
 بله، ما نمی‌توانستیم دوربین را به داخل دانشگاه ببریم، برای همین وسایل فیلمبرداری را به خود دکتر زیباکلام سپردیم و در چند جلسه فیلمبرداری کردیم. ناصه این قابها را بشنویم. سال ۹۰ فیلم مونتاژ شد اما آن را جایی ارایه ندادم، تا این که امسال برای ارایه به جشنواره تصمیم گرفتیم داستان را به نحو دیگری تعریف کنیم و فیلم شکلی که الان دارد را گرفت.

شخصیت صادق زیباکلام در فیلم و کاوای می‌شود یا اوصاف روایت‌کننده داستان قابهاست؟

**Fresh and Fair Narrative of Contemporary History**

In "Frames" documentary, Kayvan Mehregan the director went to some frames on the wall of Sadeq Ziba Kalam's office room. Ziba Kalam is political science professor of Tehran University and he is very famous because of his comments and ideas about social-political issues in Iran. Mehregan has bridged to Iran contemporary history by talks of Ziba Kalam and his monologs about every each frame. Kayvan Mehregan knows himself as an immigrant from sport to journalism and from that to literature and poetry and finally he immigrated to documentary cinema. He believes that he didn't make "Frames" for any festival but he has had some other aims. For him, even a small screening was something like a dream, however, his film is present in the festival this year.





## رسم مهمان نوازی

«اعتراض وارد نیست» می خواهد نگاه ما را به مهاجران افغان تغییر دهد. شاید که مسیر زندگی آن‌ها هم عوض شود. روایت فرناز و محمدرضا جورابچیان از این فیلم را بخوانید

زهرا عباسی

abbasi2222@gmail.com

## Custom of Hosting

**O**bjection Overruled" is an attempt to change our vision to Afghan immigrants, maybe to change the way of their lives. Farnaz and Mohammadreza Jourabian, a brother and sister directed the film. They both have been tennis players since they were children and they passed many times in Tennis yards. Then after, they thought about the main theme of "Objection Overruled" documentary. Before Cinema-Verite, "Objection Overruled" was screened in Beirut and Kolkata Film Festival and could won the Critics' Award as the Best Film in Kolkata Film Festival and Best Directing Award from Beirut Film Festival. "Objection Overruled" is the story of five Afghan immigrants who became caddies in Iran and they learned tennis uncalled and accidentally but because their living in Iran is not legal they cannot enter to tennis professional league, so they cannot improve.

### درباره فیلم

■ نام فیلم: «اعتراض وارد نیست»  
 ■ کارگردان: فرناز و محمدرضا جورابچیان  
 ■ تدوینگر: بهمن کیارستمی  
 ■ زمان: ۵۸ دقیقه  
 ■ درباره فیلم: «اعتراض وارد نیست» زندگی پنج مهاجر افغان را به تصویر می کشد که در زمین های تنیس شمال شهر تهران مشغول به کار می شوند. توپ جمع می کنند و در اوقات بیکاری تنیس بازی می کنند، تنیس یاد می گیرند و در آن پیشرفت می کنند. اما...

### به امید تغییر نگاه

محمدرضا درباره شیوه برخورد با این افراد در محیط های ورزشی هم می گوید: «هر خورد با این گروه در فضاهای ورزشی به ویژه تنیس خیلی خوب است. آن‌ها همیشه در این بخش حاشیه امن خوبی دارند و بهشان احترام گذاشته می شود، به همین دلیل دوست دارند در این فضا باشند.» فرناز امیدوار است مستندشان بتواند فضای مسالمت آمیز و محترمانه را در جامعه رواج دهد و به تغییر نگاهها نسبت به افغان های مهاجر کمک کند. او می گوید: «به نظر من هر فیلمی که ساخته می شود، آگاهی مردم را بالا می برد. خیلی از مردم درباره این بچه ها نمی دانند، زیرا همیشه ذهنیت ما درباره افغان ها، کارگری در مشاغل سخت بوده است و فکر می کنیم این مستند بتواند آگاهی مردم را درباره این بچه ها بالا ببرد و بدانند اگر این ها شرایط پیشرفت را داشته باشند، می توانند به خیلی جاها برسند.»

### نگاهی دوباره به افغان ها

محمدرضا هم صحبت های خواهرش را تکمیل می کند و می گوید: «ما می خواستیم داستان این بچه ها دیده و شنیده شود. این بچه ها امکان رشد دارند، اما به دلیل نداشتن حق این پیشرفت و ممنوعیت های قانونی ناچار مسیر زندگی خود را جور دیگری انتخاب می کنند. شاید با مستند ما بستر جدیدی برای شان فراهم شود، به این موضوع فکر شود و رفتارها با آن ها تغییر کند.» او تاکید می کند: «هدف اصلی ما در واقع چرخش نگاه به سمت این بچه ها است. آن ها ناخواسته و تصادفی در این مسیر قرار می گیرند و اگر جای پیشرفت داشته باشند چه بسا بتوانند به ورزش ایران هم کمک کنند.»

### چرا افغان ها؟

محمدرضا هم که حالا خودش مربی تنیس است و در لیگ حرفه ای کار می کند، توضیح می دهد: «در گذشته این طور بود که بچه های ایرانی کار توپ جمع کردن را انجام می دادند و بسیاری از قهرمانان تنیس ایران یا مربی ها کارشان را با همین توپ جمع کنی شروع کرده اند. اما در ۲۰ سال اخیر بچه ها اجازه حضور در باشگاه ها را ندارند، به همین دلیل افغان ها جای آن ها را گرفته اند.» فرناز درباره دغدغه اش در این باره می گوید: «من و برادرم از کودکی در محیط های تنیس رفت و آمد داشتیم و این بچه ها را می شناختم. هر فردی یک بار تنیس بازی کند، این بچه ها را می بیند. این آشنایی ادامه داشت تا این که برادرم مربی تنیس شد و به واسطه این اتفاق ارتباط ما با این بچه ها نزدیک تر شد. این موضوع همیشه پس ذهن ما وجود داشت که این ها با وجود سن کم به شدت کار می کنند تا برای خانواده های شان پول بفرستند و از سویی وقتی راهی برای پیشرفت پیدا می کنند، نمی توانند پیش بروند.»

### چینش شخصیت ها

از محمدرضا درباره شخصیت های حاضر در مستند می پرسیم و او توضیح می دهد: «پنج شخصیت اصلی در فیلم هستند که یکی از آن ها قهرمان تنیس افغانستان است و بقیه هم آن هایی هستند که در لیگ ایران کار می کنند. شخصیت ها را جوری انتخاب کردیم که بیشتر بتوانند فضای مورد نظر را نشان دهند.» او البته درباره دلیل این که این مهاجران برای پیشرفت رسمی به کشور خود باز نمی گردند هم توضیحاتی می دهد و می گوید: «تنیس افغانستان حرفه ای نیست و فدراسیون بودجه و امکاناتی برای حمایت از آن ها ندارد که بتوانند پیشرفت کنند. به همین دلیل هم وقتی این بچه ها به جایی می رسند، سعی می کنند به کشور خودشان برگردند و در تیم ملی حضور پیدا کنند، اما علمانی می توانند پیشرفت کنند.»

### داستان پنج مهاجر افغان

این فیلم زندگی پنج مهاجر افغان در ایران را به تصویر می کشد که به شکلی کاملاً اتفاقی در زمین های تنیس شمال شهر تهران مشغول به کار می شوند؛ توپ جمع می کنند و در اوقات بی کاری تنیس بازی می کنند. تنیس یاد می گیرند و در آن پیشرفت می کنند، اما هر قدر در ورزش تنیس جلو می روند، باز هم جامعه جدید پذیرای آن ها نیست و به چشم غریبه به آن ها نگاه می شود. اینجا با یک پارادوکس رو به رویم. مهاجران غیر قانونی و در نقش توپ جمع کن که حالا در یکی از ورزش های اشرافی صاحب مهارت ویژه ای می شوند و این خود آغاز دردسر است. در حالی که سیل مهاجرت غیرقانونی به اروپا معضل کنونی عصر معاصر به شمار می رود، این فیلم بیننده را با بخشی مهم و اغلب نادیده گرفته شده از معضلات این مهاجران در خاورمیانه رو به رو می کند... پرسش اول را درباره چگونگی شکل گیری مستند مطرح می کنیم. فرناز توضیح می دهد که سال ها با این آدم ها برخورد داشته و داستان آنها ته ذهنش رسوب کرده بود.

### ترس و سختی

فرناز پیش از توضیح بیشتر به نکته ای اشاره می کند و می گوید: «افغان ها در حالی مجبور به رها کردن ورزش تنیس می شوند که آن را از جایی به بعد باید در لیگ حرفه ای دنبال کرد.» از خانم جورابچیان درباره سرنوشت ورزشکاران افغان می پرسیم: «زندگی شان در برزخ سختی زندگی، ترس از بازداشت و بازگردانده شدن به افغانستان و نیز آرزوی تنیس باز شدن و شرکت در مسابقات تنیس می گذرد و برای آن ها چاره ای جز ماندن در شرایط اقامت غیرقانونی و رها کردن تنیس یا رفتن به سمتی آینده ای نامعلوم در غرب نمی گذارد، مهاجرتی که ممکن است در طول مسیر منجر به مرگ شود.»



### مستندسازی خارج از خانه

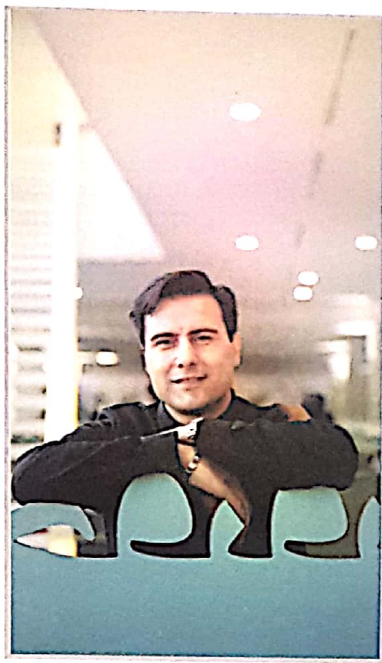
برای فیلمسازی در کشورهای دیگر چه باید کرد

بد نیست پیش از آن که به ساخت یک مستند فکر می کنیم، بازیگران اصلی آن را در نظر بگیریم. دستیابی به مشارکت در کشورهای مختلف برای ساخت طرح فیلم مستند یک موضوع اصلی است که باید به آن توجه شود. برای تامین بودجه در کشورهای مختلف بهتر است که از یک تهیه کننده محلی استفاده کنیم این مساله طبیعی است که در قراردادهایی که با شبکه های دیگر کشورها تنظیم می کنیم، شرایط ویژه ای را در نظر بگیرند و بندهای قرارداد را از آن طور که به شرایط آن ها نزدیک است و اهدافشان باید رعایت شود، تنظیم کنند. اما از مزایای «تهیه کننده محلی» این است که به تمام ضوابط و روابط منطقی که قرار است در آن فیلمبرداری داشته باشید، آشناسد و در گرفتن مجوزها کمترین زمان به هدر می رود. همچنین برای ساخت فیلم در کشورهای دیگر باید سه مورد را در نظر بگیریم: ابتدا یک تهیه کننده محلی است که به شرایط و اوضاع آن منطقه اشراف داشته باشد، دوم استفاده از استعداد های آن شهر است و سومین مورد این است که قرارداد با مسئول بخش داشته باشید. البته رسیدن به این سه مرحله بسیار کار سختی است، اما باید بدانید زمانی که محقق شد به لحاظ مالی اتفاق خوبی خواهد افتاد. به طور مثال کشور نروژ انواع و اقسام بودجه ها را در اختیار دارد. مثلا یکی از مواردی که این کشور برایش مهم است، استفاده از استعداد های بومی نروژ در فیلم تان است یا در زمان ساخت فیلم در قسمت هایی مانند ساخت موسیقی یا تدوین از افراد بومی باید استفاده شود. کشور آلمان هم یکی دیگر از کشورهای مطرح در زمینه ساخت مستند است. همان طور که می دانید آلمان ۹ قسمت مهم دارد که گاوا این کشور را به ۹ منطقه مجزا و مهم تقسیم کرده است و همگی از یک قانون فدرال پیروی می کنند. از طرفی برخی از کشورها با هم تفاهتنامه دارند، مثلا کانادا و فرانسه به دلیل شباهت های فرهنگی و زبانی در یک قرارداد با هم تصمیم گرفته اند برای فیلمساز های یکدیگر بودجه هایی فراهم کنند تا در حقیقت با این روش، همکاری فرهنگی گسترده تری داشته باشند. اما نولو بزبون هس برای همکاری مشترک، شرایط متفاوتی را به نسبت بخش خصوصی و دولتی برای خودشان تنظیم کرده اند.

### یادداشت



اووم یانسون مستندساز دانمارکی



## ایران پر است از داستان های ناب

گفت و گو با دو مستند ساز ایرانی سرشناس که در سوئیس و استرالیا زندگی می کند و مهمان جشنواره دهم سینما حقیقت هستند

سارا شمیرانی Sara.shemirani66@gmail.com

جشنواره سینما حقیقت علاوه بر مهمانان غیر ایرانی، در روز اول جشنواره، میزبان کسانی بود که پس از سال ها زندگی در دیگر کشورها به ایران باز گشته بودند. مستندساز هایی که در دیگر کشورها فعالیت می کردند و امسال برای نخستین بار در جشنواره حقیقت به عنوان مهمان شرکت کردند تا از نزدیک با سینماگران و مستندساز های ایرانی آشنا شوند. بیشتر این افراد در دیگر کشورها جشنواره های متفاوتی برگزار می کنند و علت حضورشان، انتخاب مستند هایی از ایران در این جشنواره هاست. امین پلنگی و یدالله دوج از جمله مهمانان ویژه بخش بین الملل جشنواره حقیقت بودند که در استرالیا و سوئیس جشنواره فیلم برگزار می کنند.

### یک روز از آبادان یک مستند می سازم

یدالله دوج از مهمانانی است که برای نخستین بار در جشنواره حقیقت حضور پیدا کرده، از زوربخ آمده و سال هاست مستندسازی را در کشور سوئیس دنبال می کند. او درباره تعداد فیلم های شرکت کننده در دهمین جشنواره حقیقت می گوید: وقتی اسامی فیلم های شرکت کننده در جشنواره را دیدم، تعجب کردم. تعجب من به این دلیل است که تعداد فیلم های مستندی که در ایران ساخته

### معرفی فیلم های امروز



چشم استانبول  
The eye of Istanbul  
کارگردان: فاتح کاراکایا، بی نور کارائولی  
ترکیه ۲۰۱۵

۲ آرا گولر، عکاس دورگه ترک-ارمنی ۸۷ ساله، یکی از مشهورترین عکاسان معاصر به خصوص در خاورمیانه است. عکس های او از شهر استانبول باعث شده اند به آرا گولر لقب «چشم استانبول» را بدهند. این مستند درباره آرا گولر و نمایشگاهی از عکس هایش در استانبول است. هنگام انتخاب عکس به گوشه و کنار استانبول سر می زنیم. همان جاهایی که گولر از آن ها عکاسی کرده تا ببینیم خارج از لنز دوربین چگونه هستند. آرا گولر بیش از ۶۰ سال عمرش را صرف عکاسی کرده و نتیجه اش بیش از یک میلیون فریم عکس است. فرآیند هنری گولر، هوشیاری، نترسی و جسارتش در یک روایت غیر خطی در فیلم، تصویر می شود.



در خانه در جهان  
Athome in the world  
کارگردان: آندر بایس کوفوند  
دانمارک ۲۰۱۵

۱ «در خانه در جهان» در بخش مسابقه مستندهای نیمه بلند ایذا و چند جشنواره مهم دیگر حضور داشته است. این کارگردان دانمارکی استاد ساختن مستندهایی بر محور یک کاراکتر است. این مستند ماجرای پسر بچهای به نام علی است که از کلبوس های شبانه اش می ترسد. همکلاسی اش سعی دارد با چشم انداز مهاجرت پدرش کنار بیاید. این ها مشکلات هر روزه در مدرسه صلب سربخ برای کودکان مهاجر در دانمارک است، جایی که بچه ها در آن درس می خوانند و انتظار می کشند تا بتوانند از قرنطینه مهاجران غیر قانونی بیرون بیایند. کوفوند که برنده چندین جایزه برای مستندهایش است، در فضای صمیمی کودکان معمولی را در شرایطی غیر معمول به تصویر می کشد.



## چالش مسایل محیط زیست و شهری

گیبی با لین وودداور تایوانی بخش کوتاه و نیمه بلند بخش بین الملل

آشنایی من با سینمای مستند ایران مربوط به جشنواره‌ای است که هر سال در کشور تایوان برگزار می‌شود. هر سال در این جشنواره تقریباً ۲۰ فیلم ایرانی شرکت می‌کنند و نهایتاً یک فیلم انتخاب می‌شود. بر اساس همین تجربه و آنچه سال‌ها از فیلم‌های ایرانی دیده بودم، دوست داشتم با زندگی و فرهنگ مردم در ایران آشنا شوم. این برای نخستین بار است که به ایران آمده‌ام و از این که این فرصت پیش آمده تا فرهنگ و جامعه ایرانی را بشناسم، خوشحالم. در حال حاضر، سه فیلم مستند پارک ملی، علی ممد و مستند نکوداشت کرمان را دیده‌ام. مستندهای کوتاهی که عنصر موسیقی در آن‌ها بسیار قوی بود و موضوعات خاصی داشت. البته یک انتقاد به این فیلم‌ها وارد بود: کوتاهی بیش از اندازه‌شان باعث می‌شد بیشتر به فیلم کوتاه شبیه باشند تا مستند. در واقع خیلی از این فیلم‌ها قابلیت بخش شدن از تلویزیون را داشتند. خیلی دوست داشتم مستند «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» را ببینم که مناسبانه فرصت آن فراهم نشد. همچنین با شناختی که از سینمای ایران دارم و با توجه به آنچه سینمای تایوان در همه این سال‌ها به موضوعات مختلف پرداخته است، متوجه شدم از نظر سوزن تفاوت‌های بسیاری بین دو کشور وجود دارد. کشور تایوان به دلیل تغییر و تحولات فراوانی که در آن رخ می‌دهد، به مسایل اجتماعی و سیاسی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد. در واقع همیشه این موضوعات اجتماعی بودند که توانستند توجه مستندسازهای داخلی را به خود جلب کنند تا فیلم‌های زیادی ساخته شود. اما این قضیه در ایران متفاوت است. به نظر می‌رسد مستندها در ایران بیشتر مربوط به مسایل محیط زیست، شهری و البته برتوره از زندگی افراد بزرگ هستند و همین موضوع باعث تفاوت سینمای ایران و تایوان در بخش مستند شده است.



International

No.2, Mon, 5<sup>th</sup> Dec, 2016

CINEMA VERITE Iran International Documentary Film Festival

15

مستند در مورد این شهر ساختم که با استقبال زیاد مواجه شد. امسال هم در این جشنواره شرکت کردم تا چند فیلم مستند برای جشنواره فیلم زوریخ انتخاب کنم و بتوانم آثار ایرانی را در دنیانشان بدم.

دوچ درباره مستند «۷۶ دقیقه و ۱۵ ثانیه با عباس کیارستمی» می‌گوید: من عباس را از نزدیک می‌شناختم. عاشق جهان بینی او بودم و حالا خوشحالم که تصویر خوبی از ایشان در این فیلم نشان داده شده است. در این فیلم به ابعادی از زندگی کیارستمی پرداخته شد که شاید کمتر کسی آن را می‌دانست.

### کلیشه‌ها در فیلم‌های ایرانی شکسته شده است

امین پلنگی هم یکی دیگر از ایرانی‌هایی است که سال‌ها در استرالیا زندگی کرده است. او در هفت سالگی ایران را ترک کرده، اما در تمام این سال‌ها ارتباطش با سینمای ایران حفظ شده است. پلنگی نگاه مثبتی نسبت به مستندهای پخش شده در روز نخست جشنواره دارد و می‌گوید: فیلم پداله صمدیان درباره کیارستمی واقعا دیدنی بود. خوشحالم که درباره این فیلمساز بزرگ چنین تصویرهایی وجود دارد و تلاش می‌شود یاد و نگاه او زنده نگه داشته شود. او در ادامه از فیلم «در میان امواج» می‌گوید که تصویر متفاوتی از ایران و زن ایرانی نشان می‌دهد و به مرد ایرانی، متفاوت از همه کلیشه پرداخته است. پلنگی معتقد است ایران با فیلم‌های مستندی که می‌سازد، تصویر خود را در دنیا تغییر می‌دهد و ادامه می‌دهد: یکی از مهم‌ترین ملاک‌های من برای انتخاب آثار، همین تصویرهای متفاوت از ایران است. البته که قرار نیست حقیقت و واقعیت را زیر پا بگذارم، اما دوست دارم حالا که فرصتی فراهم شده تا در استرالیا فیلم‌های پارسی زبان ارایه شود، فیلم‌هایی به نمایش دربیاید که از کلیشه‌های مرسوم در مورد ایران دور است و چهره تازه‌ای از کشورمان نشان می‌دهد. در جشنواره فیلم استرالیا بیش از نیمی از تماشاچی‌ها غیر ایرانی هستند و همین انگیزه‌ای است تا بتوانم در اندازه خود تصویر درستی از ایران را معرفی کنم.

### نگاهی متفاوت به افغانستان

پلنگی طی ده سال گذشته مستندهای زیادی درباره افغانستان ساخته. او حالا دوست دارد ساخت مستندی درباره ایران را هم شروع کند. سوزن‌های متفاوتی در ذهن دارد، اما یکی از سوزن‌ها برایش جذابیتی دوچندان دارد: تیم‌راگی دختران از آن سوزن‌هایی است که خیلی خوب می‌توانم روی آن کار کنم و تجربه جدیدی در سینمای مستند به دست بیاورم. او در پایان می‌گوید فیلم تازاش با نام «ازدواج عاشقانه» در کابل مستندی امیدبخش است که به گونه‌ای متفاوت به کشور افغانستان پرداخته است. این فیلم قرار است به زودی در ایران اکران شود. با توجه به برنامه ریزی انجام شده ازدواج عاشقانه یکی از برنامه‌های گروه هنر و تجربه خواهد بود تا مخاطبان و علاقه‌مندان به مستند بتوانند به تماشای این اثر بنشینند.

## Introduction to Films



آرلت: شجاعت یک ماهیچه است  
Arlotte: courage is a muscle  
کارگردان: فلورین هافمن  
آلمان، سوئیس ۲۰۱۵

4 آرلت ۱۵ ساله خانهاش در آفریقا را به خاطر معالجه در برلین رها می‌کند. زانوی آرلت چندین سال قبل موقع جنگ‌های داخلی آسیب دیده است. یک خیر آلمانی پیدا می‌شود که حاضر است خرج عمل زانوی آرلت را بدهد. دختر نوجوان خیلی وحشتزده است. هیچ‌کس را نمی‌شناسد و حتی یک کلمه هم آلمانی بلد نیست، اما تصمیم می‌گیرد عازم این سفر شود. فیلم، داستان شجاعت این دختر نوجوان را در طول مسیر به سادگی روایت می‌کند. در اصل آرلت خودش را پشت هدفونش پنهان می‌کند و در این سفر غنای تجربه‌های جدید و آدم‌هایی را کشف می‌کند که می‌تواند به آن‌ها اعتماد کند.

## Iran is Full of Wonderful Stories

Cinema Verite Festival was the host of Iranians who were away from Iran for years and now they came to the festival to watch documentaries. They are those documentarists who live in some other countries and this is the first time that they are invited to the festival to be familiar with Iranian cineastes also documentaries closely. Most of them hold different film festivals in those countries and the reason of their presence in our festival is to choose films for those film festivals. Amin Palangi and Yadollah Doj are two of them who hold film festivals in Australia and Switzerland. Yadollah Doj said that he will make a documentary one day about my hometown Abadan while he is so interested in Iranian documentaries. Amin Palangi who keeps his relationship with Iran while he left his hometown at seven, said that: "Clichés were broken in Iranian films. I really like to make a documentary about Iran and one of the subjects I'm thinking of it is Iran Women Rugby National Team."

می‌شود، بسیار زیاد است و حتی سوئیس هم که در سینمای مستند بسیار حرفه‌ای است، این تعداد فیلم در سال تولید نمی‌کند. البته او در ادامه درباره این اتفاق می‌گوید: «شاید یکی از علت‌هایی که فیلم‌های زیادی در ایران تولید می‌شود این است که در این کشور داستان‌های زیادی وجود دارد. هر فردی یک قصه است و می‌توان به زندگی آدم‌ها نفوذ کرد و از زندگی‌شان مستندهای زیبایی ساخت. ایران درگیر اتفاقات زیادی بوده، به عنوان مثال یک جنگ هشت‌ساله به خود دیده که از دل آن مستندهای زیادی ساخته می‌شود. یا مثلاً تصور کنید در مورد غذای ایرانی چه مستندهای ویژه‌ای می‌توان ساخت. کافی است دوربین دست بگیرید و به خانه‌های مردم بروید تا ببینید در خانه‌های ایرانی با چه عشق و علاقه‌ای غذا درست می‌شود.»

### عاشق جهان بینی کیارستمی

دوچ در ادامه از انگیزه‌اش برای ساخت مستند در ایران می‌گوید و توضیح می‌دهد: اگر قرار باشد روزی یک مستند درباره ایران بسازم، به‌طور حتم به زادگاهم آبادان برمی‌گردم؛ به جایی که در آن متولد شدم، اما جنگ باعث شد آن‌جا را ترک کنم. چنین تجربه‌ای را در زوریخ داشتیم. من یک



بیش کم یا سفرهای یک مگس به شرق  
Plus minus or fly trip to the East  
کارگردان: بودگان زیورسکی  
لهستان ۲۰۱۵

3 فیلم داستان سفر زیورسکی به کشور مگرجستان است. جایی که موطن اصلی ژوزف استالین، دیکتاتور مشهور شوروی کمونیستی بوده است. در این سفر، کارگردان سعی می‌کند کودکی‌اش را دوباره به یاد بیاورد و بازسازی کند زمانی که استالین برای او شامل یک انسان مهم و قدرتمند بوده است. زیورسکی ۲۵ سال را در سکوت هنری به سر برده و حالا با فیلمی کاملاً شخصی به دنیای مستند بازگشته است. این مستند درباره شخصیتی است که خودش همیشه از استالین در ذهن داشته است. نریشن با این جمله کارگردان روی تصویر شروع می‌شود: «مدت زمان طولانی سپری شد تا تصمیم گرفتم از زادگاه رهبر شوروی دیدن کنم.»



# ستاره‌ها زیر ذره بین

استارت جشنواره دهم در پردیس چهار سوباز تاب‌های متفاوتی در رسانه‌ها داشت

اخبار روز نخست هر جشنواره معمولاً بر پایه متن و حاشیه آیین افتتاحیه است و اگر رویدادی بخواهد سنت شکنی کند و بدون سروصدای یک افتتاحیه و در حد یک دوره‌ی ساده کارش را آغاز کند، طبیعتاً بخشی از پوشش رسانه‌ای را باید از دست بدهد. این اتفاق درباره «سینما حقیقت» رخ نداد و همزمان با برگزاری جشن آغاز دهمین دوره در پردیس سینمایی چارسو خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری پوشش این رویداد را در دستور کار قرار دادند.



## رسانه‌های کاغذی

سه‌م رسانه‌های کاغذی از نخستین روز جشنواره دهم باز هم بیشتر بر دوش مجلات تخصصی بود، به خصوص مجله «فیلم» که شماره ویژه دوده سینمای مستندش حالا به‌عنوان هدیه در اختیار مهمانان «سینما حقیقت» قرار می‌گیرد. روی کیوسک هم فعلاً روزنامه‌های سراسری بیشتر درگیر متن و حاشیه سیاست هستند و صفحات لایه خود هم در حد اخبار مرتبط با حضور برخی فیلم‌های خاص در جشنواره به این رویداد پرداخته‌اند. در روزنامه‌های تخصصی سینما ولی این سه‌م پررنگ‌تر بود. روزنامه «صبا» در سرمقاله خود به اهمیت سینمای مستند پرداخت و خطاب به مخاطبان حرفه‌ای سینما تیزتر زد: «لطفاً مستند ببینید!»

## رسانه‌های برخط

برخلاف رسانه‌های مکتوب، حالا میدان دار اصلی پوشش اخبار مرتبط با جشنواره سینما حقیقت رسانه‌های برخط هستند. خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری که در روز نخست با پوشش افتتاحیه و اخبار مرتبط با اکران فیلم‌ها، با جشنواره همراه شدند. برخی سایت‌ها اما دست به سوژه‌یابی زدند که از میان آن‌ها سایت «آی سینما» به نکته جالبی درباره دهمین دوره «سینما حقیقت» اشاره کرد. این سایت خبری در گزارشی به سه‌م پررنگ ستاره‌های سینمایی در جشنواره مستند امسال پرداخت و در گزارشی با تیتراژ «شارکت ستاره‌های سینمای ایران در فیلم‌های مستند» از حضور چهره‌هایی مانند پگاه آهنگرانی و شبنم قلی‌خانی تا صابر ابر و بهنام تشکر در فرآیند تولید فیلم‌های حاضر در

جشنواره امسال نوشت. نویسنده این گزارش در بخشی از آن به نکته جالبی اشاره می‌کند: «به نظر می‌رسد سینمای مستند ایران به تدریج به جایی رسیده که ستاره‌های سینما هم علاقه دارند در آثار مستندسازان مشارکت جدی داشته باشند.» این نکته‌ای است که سایت پایگاه خبری فیلم کوتاه هم نیمه‌گاهی به آن داشت و در مطلبی از حضور ۶ چهره سینمایی در مقام گوینده در مستندهای امسال سینما حقیقت نوشت.

## شبکه‌های اجتماعی

### رسمی در فضای مجازی

کانال رسمی اخبار جشنواره حالا یکی از مهم‌ترین مراجع اطلاع‌رسانی درباره این رویداد در میان علاقه‌مندان سینمای مستند شده و تعداد اعضای این کانال در نخستین روز جشنواره به بیش از ۱۸۰۰ نفر رسیده است. به اشتراک‌گذاری آخرین اخبار از حضور چهره‌ها در جشنواره و تبلیغ فیلم‌ها به واسطه بارگذاری بریدهای از ویدئو مرتبط با آن‌ها، محتوای اصلی این کانال رسمی را تشکیل می‌دهد، اما از آن‌جا که ارتباط یک‌طرفه جذابیت کمتری از گفت‌وگو و دیالوگ دوطرفه دارد، حجم کمی تبادل نظر در گروه «بحث مستند» به مراتب بالاتر از کانال رسمی جشنواره است.

### سوژه‌یابی و سوژه‌سازی

از نکات جالب در دنبال کردن مباحث روزانه کانال «بحث مستند» تلاش مستندسازان برای تبلیغ و معرفی آثار و همزمان دعوت از دوستان و همکاران برای حضور در سانس مشخص شده اکران‌شان در جدول جشنواره است. در این رقابت نامحسوس برای تبلیغ بیشتر، عده‌ای دست به ابتکار زده و با انتشار تصاویری از مستند خود یا بریده فیلم‌های مرتبط با پشت صحنه تلاش می‌کنند «فیلم‌باز» های بیشتری را با خود همراه کنند.

### جشنواره اپلیکیشن

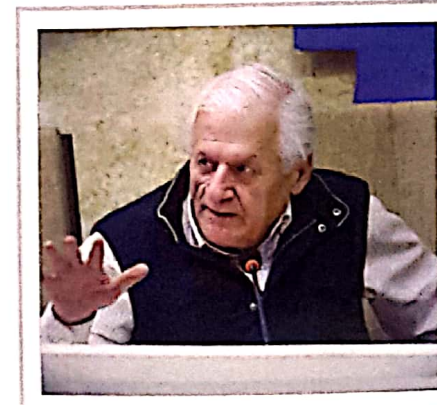
«اپلیکیشن وینگر بوسترهای دهمین جشنواره سینما حقیقت را اسکن کنید تا پیش نمایش فیلم‌ها را ببینید و از اطلاعات آن‌ها مطلع شوید.» این هم متن تبلیغی جالب یکی از کانال‌های تلگرامی بود که در اقدامی جالب با قراردادن لینک دانلود یک اپلیکیشن، فصل تازه‌ای در اطلاع‌رسانی مجازی برای سینما حقیقت باز کرد. این اپلیکیشن را کانال «سوژه برای سینمای مستند» برای مخاطبانش منتشر کرده است و با عضویت در این کانال تلگرامی می‌توانید در این تجربه متفاوت شریک شوید.



## سوژه شوید!

در شبکه‌های اجتماعی به جشنواره سینما حقیقت چطور پرداخت شده است

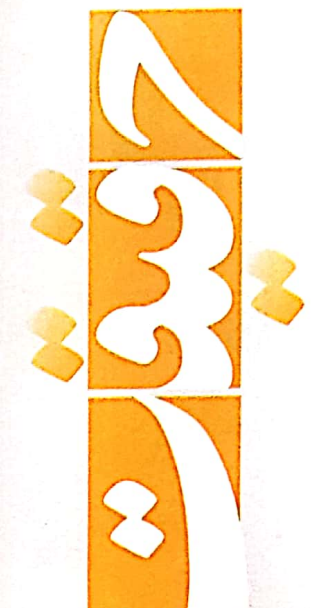
بازار بحث و گفت‌وگو بر سر سینمای مستند در فضای شبکه‌های اجتماعی حساسی گرم است. همزمان با همراه شدن فعالان حوزه سینمای مستند با جشنواره سینما حقیقت، عضوگیری و عضویت این گروه در کانال‌ها و گروه‌های مجازی هم اوج گرفته و تلاش می‌شود از این فرصت برای تازه‌کردن دیدارها و رسیدن به ارتباطات تازه نهایت استفاده صورت بگیرد.



## بزم تجربه‌ها در عصر گفت‌وگو

درباره بخش کارگاه‌های تخصصی جشنواره دهم سینما حقیقت دیروز نوشتیم، اما بد نیست بدانید برنامه «عصر گفت‌وگو» هم طبق جدول برنامه‌های جشنواره دهم از امروز آغاز می‌شود تا اگر فرصت و حوصله حضور در کلاس را ندارید و بیشتر به دنبال هم‌کلامی و تبادل نظر با چهره‌های سرشناس حوزه مستند هستید، بتوانید از این برنامه استفاده کنید. بخش پژوهش مرکز گسترش سینمای مستند در قالب برنامه «عصر گفت‌وگو» نشست‌هایی را میان هنرمندان و مستندسازان ترتیب داده است که طی این برنامه هر روز دو هنرمند با حضور در این غرفه به سوالات سینماگران پاسخ می‌دهند. رخشانی‌بنی اعتماد امروز دوشنبه ۱۵ آذر ماه ساعت ۱۷:۳۰ تا ۱۸:۳۰ و اکبر عالمی از ساعت ۱۹ تا ۲۰ در غرفه پژوهش سینما حقیقت حضور خواهند داشت. جزئیات برنامه‌های آینده «عصر گفت‌وگو» در روزهای آتی از طریق سایت وب‌لتن رسمی جشنواره سینما حقیقت اعلام خواهد شد.

نگته روز



نشریه روزانه هشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران زیر نظر روابط عمومی مرکز گسترش سینمای مستند تجربی

مدیر مسئول: محمد مهدی طباطبایی نژاد  
سر دبیر: آرش خوشخو  
دبیر تحریریه: وحید سعیدی

سینمای ایران: احمد رنجبر  
بخش انگلیسی: سیمه قاضی زاده  
بخش بین‌الملل: صوفیا نصر الهی  
بخش خبری: محمد صابری  
عکس: مریم سعید پور

تحریریه: سارا شمیرانی  
سمیه علیپور  
سوسن سیرجانی  
لیلا علیپور  
عرفان جلالی  
زهرا عباسی  
محمدرضا کاظمی  
با تشکر از همراهی:  
مرجان قاطمی

گرافیک و فنی  
مدیر هنری: علیرضا ابراهیمی  
صفحه آرایی: فرشاد بذرافشان  
اجرائی و هماهنگی: مریم رضوانی  
ویرایش عکس: محمد بذرافشان  
ویرایش و تصحیح: نجمه درزولو

باسپاس فراوان:  
منوچهر طبیب و مرتضی رزاق کریمی

با تشکر از همراهی:  
حامد خورشیدی، محمود صادقلوی گیوی



# کاشت 2016

پرونده روز:  
مستند کرمان



## دیاردرونگرا

کرمان به خاطر موقعیت جغرافیایی، سابقه تاریخی و ویژگی های مردم شناسی اش منطقه ایده آل برای مستندسازی است

زمین پیوند دیرینه داشته و زمین بر سبک زندگی و حتی اپیدئولوژی آن ها تاثیر مستقیم دارد. نشانه های این پیوند را به خوبی می توان در نقش نگاره های تمدن جیرفت احساس کرد. وقتی به جغرافیای این سرزمین خیره می شوم، احساس می کنم کرمان سرزمین پارادوکس طبیعت است. فقط چند کیلومتر آن طرف تر از بلندترین دشت کشور، گرم ترین کویر ایران قرار دارد و چند کیلومتر آن طرف تر همان کویر، کوه هایی سر به آسمان کشیده اند که تقریباً بیشتر روزهای سال از برف پوشیده شده اند. طبیعت کرمان حاصلش درونگرایی عجیبی است که همراه با طنز تلخ در روح جمعی این مردم جلوه گر شده است. پرویز کیمیای سال ها پیش توانست قسمتی از تاثیر طبیعت را بر روح انسانی این جغرافیا به تصویر بکشد. درویش خان اسفندیاری، بیرمرد کرولال سیر جانی با خلق یک پرفورمنس شاهکار در فیلم «باغ سنگی» خیلی خوب این درونگرایی حاصل از طبیعت را به نمایش گذاشت.

جغرافیایی، تاریخی و مردم شناسی اش، فرصت خیلی خوبی را برای مستندسازی ایجاد می کند. احتمالاً هر مستندسازی که اقلیم کرمان را خوب بشناسد، جنبه ای از آن را به عنوان بستر بزرگ فیلم سازی مستند معرفی خواهد کرد. واقعیت این است که می توان فیلم های زیادی درباره تاریخ، تمدن، جغرافیا و مردم شناسی کرمان ساخت. من اما به عنوان کسی که در این اقلیم (شهر سیرجان) به دنیا آمده و بزرگ شده ام؛ فکر می کنم آنچه این اقلیم را خاص و جذاب می کند، تاثیری است که جغرافیا، طبیعت و زمین بر شخصیت شناسی عمومی مردم کرمان گذاشته. بگذارید منظورم را عینی تر شرح دهم و قسمتی از تاثیر طبیعت بر شخصیت شناسی مردم کرمان را توضیح دهم. کرمان سرزمین معدن است. معدن همان تاثیری را در کرمان دارد که نفت در خوزستان دارد و دریا در هرمزگان. منبع درآمدی بی کران که زندگی مردمش را از حالت عادی خارج کرده و روز به روز روال طبیعی زندگی را سخت تر می کند. روح و سرنوشت این مردم با

کریم معین الدینی

مستندساز

کرمان بهشت مستندسازان است... چقدر این جمله آشناست... من بارها و بارها شنیده ام کسانی خوزستان، یزد و اصفهان و خیلی جاهای دیگر را بهشت مستندسازان قلمداد کرده اند. بالاخره این بهشت کجاست؟ من در اصالت عبارت «بهشت مستندسازان» تردید دارم و شایمل آن را بیشتر تبلیغاتی می دانم. حقیقت آن است که جغرافیای مسحور کننده، تاریخ و تمدن و اقلیم این کشور آن قدر جذاب است که فرصت های فراوانی برای مستندسازی در مناطق مختلف ایران ایجاد کرده و این باعث شده کسانی به خاطر تنوع فراوان سوژه در یک منطقه خاص همچنین دلیسنگی های ناسیونالیستی، آن جا را بهشت مستندسازان بگویند. بنابراین عبارت بهشت مستندسازان را به هر اقلیمی می توان اطلاق کرد. کرمان به خاطر موقعیت









## The Hottest Place on the Earth

Kerman Province is one of the best and the strangest points of Iran geographically and culturally for watching and having special experiences in a documentary. Special section of provinces in Cinema-Verite Film Festival is a special event because of two reasons; First; the opportunity to introduce and face with provincial documentarists that maybe they cannot be seen and considered in a long-shot of annually Cinema-Verite Film Festival. The more important opportunity is the condition that is made for paying attention to documentarists of whole provinces of Iran. In this sense, while 10th Cinema-Verite Film Festival introduces documentarists from Kerman is a chance to review the capacities of the province geographically and culturally, especially for documentarist. Desert and mountains textures beside cultural and ethnic variety of "Kerman" make Kerman to a center of wonderful subjects. Perhaps many of them were neglected but they can be considered more serious. 20 documentarists with 21 documentaries in special section of Kerman are present in 10th Cinema-Verite Film Festival. They have participated from different regions of Kerman province in the festival; mostly from the capital of the province Kerman but also from Rafsanjan, Jiroft, Bam, and Kah-nouj. Moreover, Kerman Province has special geographic capacity for research documentary, especially in Lut Grand Desert (Dasht-e Lut) that visually also subjectively is one of the most curious places in the world for documentary-makers. Although, among documentaries which were participated in the festival, there is an empty place of a documentary about the beautiful nature of Kerman. However, there are several documentaries about ecosystem of the province. We should wait to see some subjective documentaries about the nature of Kerman in future.

## People



In every region one of the most fascinating subjects for documentary-making is the people or in fact the habitants of there; a subject that mostly recorded in portrait documentaries or anthological ones. Among participated documentaries in Kerman Section of 10th Cinema-Verite Film Festival there are some films in this category. Portrait documentaries like "Rouhangiz Saminezhad", "Rose Lady" and "A Life in a Cradle" are about some figures in Kerman. "Our Garden Which Is Not Dried", "Moon of Palm", "Black-tail White" and "Maymandies" are present anthological works in this section.

## Experiences



Another category of the present documentaries in Kerman Section of 10th Cinema-Verite Film Festival is that that is narrated a piece of puzzle of life experience in Kerman as its main theme. While these experiences are native but those are not native can feel them, it means that non-native audience can understand them well. For example in "Thirsty Like Sun", "Jamaz", "Waiting for Primary School Children", "Kerman's houses", "Valley Tourism of Fousk", "Zireh", "Pearl of Desert", "Sadeh Ceremony", and "Piri-Suz Chekchekoo" are just some of these documentaries which share life experiences in Kerman.

## Ideas



One part of Kermani documentarists are about some other subjects rather than native experiences or people of Kerman. Moeen Karimodini made a documentary about morning in a temple in India in "When Clouds Come Down", Hamid Asgari in "Plays of Children" talks about effect of playing in lives of people, Mehdi Boustani talks about problem of shortage of lavatories, Amir Mehdi Pour Parvizi in "Return" documentary talks about two African friends, and finally, the bitter documentary of Hamed Sa'adar from addiction and HIV in "Gray Vessels" are some of these ideas.